

دعاهای قرآن

فهرست مطالب

دعاهای قرآن

مقدمه

اهمیت راز و نیاز با خدا

دعای آدم و حوا

دعاهای حضرت نوح علیه السلام

دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام

نکته

دعای حضرت لوط علیه السلام

دعای سربازان طالوت

دعای سلیمان علیه السلام برای حکومتی بی نظیر

دعای سلیمان علیه السلام برای توفیق بر شکر نعمت های الهی

داود و سلیمان علیهما السلام حمد الهی کردند

دعای بلقیس ملکه سبا

دعای حضرت ایوب علیه السلام

دعاهای حضرت یوسف علیه السلام

دعای حضرت یونس علیه السلام

چند نکته

چند حدیث در فضیلت این دعا

دعای اصحاب کهف

دعای حضرت شعیب علیه السلام

دعاهای حضرت موسی علیه السلام

دعای ساحران مؤمن

دعای مؤمنان

نکته

دعای بنی اسرائیل

دعای همسر فرعون

دعاهای حضرت زکریا علیه السلام

چند حدیث

دعای مادر مریم

دعای حواریون عیسی علیه السلام

دعای حضرت عیسی علیه السلام

دعای مجاهدانی که در رکاب پیامبران جهاد کردند

دعای صاحبان باغ سوخته

دعاهایی که خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آموزش داد

دو حدیث

استعاذه

دعای مسیحیانی که مسلمان شدند
دعا برای پدر و مادر
دعای آنان که به سلطه ستمگران گرفتارند
تعلیم دعا به مسلمانان
دعا به هنگام سوارشدن بر مرکب و در برابر هر نعمتی
دعای ملائکه مقرر ب برای مؤمنان
تقدیس الهی از زبان ملائکه
پند دوست
دعای عاقلان
دعای بندگان با کمال الهی
دعای همیشگی مؤمنان
دعا برای دنیا و آخرت
دعای همیشگی مؤمنان
چند روایت
دعای مؤمنان راستین
چند روایت
دعای دانشمندان بلندپایه
چند روایت
دعای مؤمنان برای خود و مؤمنان دیگر
دعای انسان در چهل سالگی
عباد الرّحمن چگونه دعا می کنند؟
دعای بندگان مخلص خدا
تقدیس الهی به وسیله دارندگان علم لدنی
دعای اصحاب اعراف
دعای مؤمنان در روز قیامت
حمد و سپاس بهشتیان
دعای نیکوکاران در بهشت
فهرست موضوعی دعاهاى قرآن

دعاهای قرآنمقدمه [9]

قرآن کریم کتاب زندگی ماست و هر آنچه که برای تکامل روح و سازندگی شخصیت انسان لازم است در آن آمده است.

یکی از نیازهای فطری بشر، راز و نیاز با خداوند است. او می خواهد خوشبخت زندگی کند و در آخرت نیز سعادت مند شود. بدین منظور و برای رسیدن به این مقصود همواره در صدد داشتن رابطه و انس با خداوند است تا به هنگام بروز شداید و مشکلات به او رجوع نماید. برای این منظور لفظ و بیان خاص و الفاظ و متن مخصوصی لازم نیست. هر قوم و ملتی با زبان خود و به مقدار فهم خویش خدا را می خوانند.

اما متن دعاها و مناجات هایی که از زبان اهل معرفت و انسان های الهی و وارسته برخاسته است دارای ظرافت های لفظی و معانی گسترده ای است به گونه ای که در کلام و دعای دیگران یافت نمی شود. و این خود رمز جاودانگی و قابل سرمشق بودن این دعاهاست. یک بخش از کتب احادیث ما، دعاها و مناجات هایی است که بر زبان اولیای الهی جاری شده است که با آن کلمات همواره خدا را می خوانده اند و یا این که به پیروانشان تعلیم داده اند که با آن خدا را بخوانند. عمده این گونه متون در «کتب

[10]

دعا» گرد آمده است.

لیکن دعاهایی در قرآن کریم آمده است که از زبان فرشتگان و پیامبران و بندگان صالح صادر شده و یا تعلیم خداوند به بندگان است که به آنها به طور مستقل کمتر پرداخته شده است. از آن جایی که بنده مدت ها توفیق استفاده از درس پر فیض و برکت استاد بزرگوار حوزه، حضرت آیه الله حسن زاده آملی (دامت افاضاته) را داشتم، استاد عظیم الشأن توصیه می فرمود که قرآن را مطالعه کنید و به دعاهای قرآن کریم اهتمام ورزید. به دنبال تأکید استاد، بنده نیز چند دور قرآن را مطالعه کردم و آیاتی را که حاوی دعای پیامبران و فرشتگان و بندگان برگزیده حق و یا تعلیم خداوند به پیامبرش بود در مجموعه ای گرد آوردم. اکنون آیات برگزیده دعایی با توضیحی که زمینه استفاده از هر دعا را در مورد ویژه اش بیان می کند، در اختیار مؤمنان و دوستداران قرآن کریم قرار می گیرد.

در این کتاب سعی کرده ام تا در مواردی که به توضیح و تبیین کلمات و عبارات قرآنی نیاز داشت از قرآن کریم و دو تفسیر مجمع البیان و البرهان استفاده نمایم و احیاناً احادیثی از کتب تفسیری و حدیثی بر آن افزوده ام. و در پایان فهرست موضوعی دعاهای ذکر شده را افزودم تا خواننده بهتر بداند که هر دعایی در چه زمینه و موضوع و مناسبتی نازل شده و نیز با چگونگی تکرار دعاها آشنا شود.

اهمیت راز و نیاز با خدا

خداوند می فرماید: «أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (1)؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. می دانیم که خداوند صادق است و در سخن او گمان خلاف نمی رود، لیکن یکی از بهترین شواهد بر صدق گفتار حق تعالی مواردی است که در قرآن کریم آمده است

[11]

که انبیا، اولیا و بندگان صالح حق تعالی در شرایطی خاص خدا را خواندند و خدا هم دعای آنان

را اجابت کرد و آنها را از غم و اندوه رهانید.

وقتی که خداوند داستان حضرت یونس و زندانی شدن او در شکم ماهی در قعر دریا، و قبول توبه و استغفار او را بیان می کند در پایان اشاره می کند به دعا و مناجات یونس در قعر دریا، و مستجاب شدن دعا و نجات یافتن او از چنان زندان وحشتناک، در آخر سخن می فرماید: «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (2)؛ ما اینچنین مؤمنان را نجات می دهیم. و این معنا را بلفظ مستقبل (که دلالت بر دوام و استمرار دارد) بیان می کند. گویا خداوند می خواهد بفرماید: مباداگمان کنید این گونه برخورد و یاری و کمک ما اختصاص به یونس و یا گذشتگان و یا پیامبران دارد؛ بلکه نجات و یاری و کمک و هدایت ما شامل حال همه مؤمنان است؛ آنهایی که از سوز دل و از عمق جان در گرفتاری ها خدا را بخوانند.

در حقیقت خداوند با ذکر داستان حضرت یونس و حسن ختام آن با این جمله، به مردم با ایمان راه ارتباط بندگان با خدایشان را نشان می دهد که در مشکلات و سختی ها به خداوند امیدوار باشند و به درگاه او روی آورند و هیچ گاه از رحمت الهی مأیوس نباشند، چرا که فریادرس همه در همه جا خداوند است.

1 . غافر (40) آیه 60 . 2 . انبیاء (21) آیه 88 .

دعای آدم و حوا [13]

آدم و حوا داستان پر رمز و رازی دارند. خداوند آنان را در بهشت جای داد و دستور داد تا از فلان میوه یا دانه نخورند. اما شیطان آنان را وسوسه کرد و آنان از آن خوردند و گرفتار شدند. خداوند به آنان گفت: «آیا من شمارا از آن نهی نکردم و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست.»

در این هنگام، آدم و حوا توبه کردند و دست به دعا برداشتند و گفتند:

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ (1)

بارالها، ما به خود ستم کردیم که نافرمانی تو کردیم اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی ما از زیان کاران خواهیم بود.

1 . اعراف (7) آیه 23.

دعاهای حضرت نوح علیه السلام [14]

1. نوح، یکی از پیامبران الهی بود که عمری دراز یافت به گونه ای که عمر او ضرب المثل شده است.

نوح مردم را به خدا پرستی و معرفت فرا می خواند و از بت پرستی و جهالت باز می داشت. مردم که با عقاید پدران خویش خو گرفته بودند و از اندیشه و تفکر به دور بودند نوح را تهدید کردند که «ای نوح اگر از کارت دست برداری تو را سنگباران می کنیم.»

نوح دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (1)

پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند. بین من و آنان داوری کن، و مرا و کسانی که با من ایمان آورده اند از دست آنان نجات بخش.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ما نوح و همراهان او را نجات دادیم و دیگران را غرق کردیم.»

2. در قرآن کریم یک سوره به نام حضرت نوح آمده است و تمام

[15]

این سوره مربوط به داستان آن حضرت است. خدای متعال می فرماید: «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پیش از آن که عذاب دردناک به سراغشان آید. او به مردم گفت: من شما را هشدار می دهم، خدا را بپرستید و تقوای الهی را پیشه گیرید و مرا اطاعت کنید. اگر چنین کنید خداوند شما را می آمرزد و اجل شما را به تأخیر می اندازد.»

این پیام و تبلیغ، مردم را بیدار نکرد و به همین سبب نوح از سر درد با خداوند چنین گفت: «بارالها، شب و روز مردم را دعوت کردم و هرچه بیشتر فراخواندم مردم بیشتر گریزان شدند، هر گاه آنان را به آمرزش تو دعوت می کنم انگشت به گوش می کنند، لباس بر سر می کشند تا پیام مرا نشنوند و بر کردار خود اصرار می ورزند. به طور علنی و پنهانی آنان را خواندم و گفتم از پروردگارتان طلب آمرزش کنید چرا که او آمرزنده است. اوست که باران بر شما فرو می فرستد و اموال و پسران به شما می دهد و باغ ها و نهرها برایتان فراهم می آورد.»

نوح سپس آیات و نشانه های حق تعالی را در عالم آفرینش برایشان باز گو کرد. اما باز هم بیدار نشدند و به یکدیگر سفارش می کردند که از بت های خود دست بردارید. آنان در گناهان غوطه ور شدند و سرانجام اهل جهنم گشتند.

در این هنگام نوح دست به دعا برداشت و به پروردگار عرضه داشت:

رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

[16]

* إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فِاجِرًا كَفَّارًا * رَبِّ اغْفِرْ لِي وَكَرِوَالِدَيَّ وَكَرِمْ مَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَكَرِمْ الْمُؤْمِنِينَ وَآلَ الْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَذَرِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (2)

بارالها، از کافران بروی زمین هیچ کس باقی نگذار. اگر آنان را رهاکنی بندگان تو را گمراه می کنند و به جز تبه کار کافر فرزندی نیاورند. بارالها، مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی را که به خانه ام وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و بر نابودی ستمگران بیفزا.

3. خداوند در سوره قمر می فرماید: «در دوران گذشته قوم نوح بنده ما را تکذیب کردند و گفتند

او دیوانه و جن زده است.» نوح هم دست به دعا برداشت و خداوند را خواند و چنین گفت:

أَنْزَى مَعْلُوبٌ فَأَنْتَ صَرٌّ؛ (3)

بارالها، من در هدایت مردم مردم شکست خوردم؛ تو خود مرا یاری فرما.
4 . در سوره مؤمنون آمده است: «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. او به مردم گفت: ای قوم من، خداوند را بپرستید، به جز او برای شما خدایی نیست، آیا پروا نمی کنید؟»
گروه کافران گفتند: «نوح چون شما بشر است که می خواهد بر شما برتری جوید؛ اگر خداوند می خواست پیامبری بفرستد فرشتگانی را به پیامبری می فرستاد، نوح دیوانه است.»
در این هنگام نوح دست به دعا برداشت و گفت:

[17]

رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي؛ (4)

بارالها، در برابر تکذیب این مردم مرا یاری کن.
خداوند می فرماید: «به نوح وحی کردیم که زیر نظر و راهنمایی ما کشتی بساز، و هرگاه فرمان رسید و آب از تنور فوران کرد از هر یک از حیوانات دو عدد و خانواده ات را سوار بر کشتی کن، و هرگاه تو و همراهان در کشتی مستقر شدید بگو:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الظَّالِمِينَ * وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ؛ (5).

حمد برای خدایی است که ما را از دست ستمکاران نجات داد. و بگو: بارالها، مرا در منزلگاهی مبارک جای ده، [زیرا] تو بهترین فرود آورندگانی.
پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، هرگاه در جایی منزل کردی بگو: اللهم انزلني منزلاً مباركاً وأنت خير المنزلين؛ چرا که خیر و خوبی آن منزل روزی تو می شود و شرّ و بدی آن از تو دور می شود.» (6)

در حدیث «أربع مائة» که علی علیه السلام چهارصد سخن کوتاه و نغز در آداب زندگی و بندگی برای یارانش بیان فرمود، آمده است: «هر گاه جایی منزل کردید بگوید: اللهم انزلنا منزلاً مباركاً و أنت خير المنزلين.» (7)

[18]

5 . نوح 950 سال در میان مردم تبلیغ یکتاپرستی و پاکی و درستی کرد. اما ده قرن تبلیغ و دعوت، آن مردم خفته جاهل را بیدار نکرد و به هوش نیاورد، و از آن همه بذر توحید و خداپرستی به جز بسیار اندک در دل سخت تر از سنگ آنان جوانه نزد و به بار ننشست. افزون بر آن، پیامبر الهی را به باد استهزا می گرفتند و تهمت هایی که خود شایسته آن بودند به او می بستند و مؤمنان همراه او را مردمانی پست می خواندند...

با چنین پیشینه عصیان و تبه کاری است که به فرمان الهی از آسمان باران شدیدی باریدن می گیرد و از جای جای زمین چشمه ها می جوشد و سیل و طوفان همه جا را فرا می گیرد.
نوح که از پیش آماده چنین شرایطی است؛ به مؤمنان و همراهان خود می گوید تا بر کشتی که به دست خود او ساخته شده است، سوار شوند. نوح به هنگام سوار شدن بر کشتی می گوید:

يَسْمُرُ اللَّهُ مَجْرِبَهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛ (8)

به نام خداست حرکت و توقف کشتی؛ به درستی که پروردگارم آمرزنده و مهربان است.
در این هنگام، آب از آسمان و زمین به هم می پیوندد و همه جا را فرا می گیرد و همه نابکاران سیه روز را در کام خود فرو می کشد. در حالی که نوح و همراهانش بر کشتی نجات سوارند و بر سطح آب در

[19]

حرکتند. وقتی که آب همه جارا فرا گرفت و همه گمراهان لجوج را به کام مرگ کشید، فرمان الهی بر توقف باران و جوشش زمین صادر می شود و کشتی نوح بر کوه «جودی» آرام می یابد. در این میانه، نوح که پسر نادرستش را در میان غرق شدگان می بیند دست به دعا بر می دارد و می گوید:

رَبِّ إِنِّي ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنِّي نَذَرْتُكَ الْحَقِّ وَأَنْتَ أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ؛ (9)

بارالها، پسر من از خانواده من است (و تو وعده داده بودی که خانواده مرا نجات دهی) و وعده تو حق است و تو احکم الحاکمین هستی.

خداوند فرمود: «ای نوح، او از خاندان تو نیست، او ناشایست است، آنچه را که به آن آگاهی نداری از من مخواه، من تو را پند می دهم، مبادا از جاهلان باشی.» نوح به خود آمد و گفت:

رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ، وَإِنِّي لَا تَغْفِرُ لِي وَتَرَحُّمَنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ (10)

بارالها، من به تو پناه می برم از این که چیزی را که به آن آگاهی ندارم از تو بخواهم، اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زبان کاران خواهم بود. 1. شعراء (26) آیات 117 و 118.2 . نوح (71) آیات 26 28.3 . قمر (54) آیه 10.4 . مؤمنون (23) آیه 26. همین جمله در همین سوره در آیه 39 از زبان پیامبر دیگر آمده است و نام او به صراحت ذکر نشده است. بعضی آن پیامبر را هود «پیشوای قوم عاد»، و بعضی دیگر صالح «پیامبر قوم ثمود» می دانند. 5. مؤمنون (23) آیات 28 و 29.6 . تفسیر صافی، ج3، ص399.7 . خصال، ص634.8 . هود (11) آیه 41.9 . هود (11) آیه 45.10 . هود (11) آیه 47.

دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام [20]

1. حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از پیامبران بزرگ الهی است. او از برجستگان دعوت به توحید در طول تاریخ و پدر بسیاری از پیامبران است.

در زمانی برانگیخته شد که مردم سخت در بت پرستی بودند و بت های گونه گونه را پرستش و احترام می کردند. آن حضرت با مردم گفت وگو می کرد و بی خاصیتی و پوچی بت ها را برای آنان شرح می داد. آنان در برابر سخنان حکیمانه ابراهیم خلیل علیه السلام یک حرف داشتند و آن این بود که: «پدران ما این گونه می کردند و ما هم به راه آنان می رویم.» ابراهیم گفت: «خدا آن است که پروردگار هستی است. او که مرا آفرید و هدایت می کند. او که مرا طعام و نوشیدنی می دهد و هر گاه بیمار شدم شفایم می دهد. او که مرا می میراند و سپس زنده می کند. او که امیدوارم در روز قیامت گناه مرا بیامرزد.» سپس ابراهیم دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ * وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ *
* وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ * وَأَغْفِرْ لَأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ * [21]

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُدْعَوْنَ: (1)

بارالها، به من حکمت ده و مرا به نیکوکاران بپیوند. و نام نیک مرا در امت های بعدی قرارده. و مرا از وارثان بهشت نعیم قرارده. و پدرم را بیامرزد چرا که از گمراهان بود و در روز قیامت مرا رسوا مساز. (2)

2. اسوه و الگو در سازندگی یا نابودی شخصیت انسان نقش حیاتی دارد. قرآن کریم که کتاب سازندگی و تربیت انسان هاست به این مهم بسیار پرداخته است. یاد انسان های بزرگ چون پیامبران و دیگر شخصیت های مثبت، و نیز یاد افراد گمراه و بد فرجام، به منظور عبرت گرفتن و سر مشق یافتن، در قرآن کریم آمده است.

کلمه «اسوه» سه بار در قرآن مجید به کار رفته است: یک بار درباره پیامبر اسلام (3)، یک بار در مورد حضرت ابراهیم و مؤمنان همراه (4)، و نوبت سوم درباره یاوران حضرت ابراهیم علیه السلام (5).

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ابراهیم و یاران او، اسوه ای نیکو برای شمایند. هنگامی که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به غیر خدا می پرستید بیزاریم و راه شما را رد می کنیم و بین ما و شما دشمنی و کینه

[22]

همیشه خواهد بود، تا آن گاه که به خداوند بی شریک ایمان آورید. مگر سخن ابراهیم که به پدرش گفت: من به زودی برای تو استغفار می کنم و عذاب الهی را از تو نمی توانم بگردانم.» دعای ابراهیم و یارانش این بود:

رَبَّنَا عَلَّمَك تَوْكَلْنَا وَإِلَيْكَ أَنزَلْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ (6)

بارالها، بر تو توکل کردیم و به فرمان تو بازگشتیم و بازگشت به سوی تو است. بارالها، ما را برای کافران هدف قرارده و ما را بیامرزد؛ به درستی که تو توانا و حکیمی.

امام صادق علیه السلام در تفسیر «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا» فرمود:

در گذشته تمام افراد با ایمان فقیر بودند (و زیر فشار و اذیت و آزار کافران به سر می بردند) و

تمام کافران ثروتمند بودند، تا آن که ابراهیم علیه السلام آمد و این چنین دعا کرد: رَبِّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذینَ کَفَرُوا. آن گاه خداوند در میان مؤمنان ثروت و فقر قرارداد و در میان کفار نیز ثروت و فقر قرارداد. (7)

3. بحث و گفت و گوی ابراهیم علیه السلام بابت پرستان بی نتیجه ماند. چرا که هرچه ابراهیم با آنان به سخن می نشست آنان بیشتر بر گمراهی خود اصرار می ورزیدند.

[23]

ابراهیم با خود گفت: شاید اجرای یک صحنه آنان را هشیار کند. در یک روز عید که همه مردم از شهر خارج شده و به گشت و گذار و تفریح رفته بودند ابراهیم وارد بتخانه شد، تبر را به دست گرفت و همه بت ها را شکست و تنها بت بزرگ را سالم گذارد. تبر را به دوش بت بزرگ نهاد و از بتکده خارج شد. مردم از گلگشت و تفریح بازگشتند، به سوی بت های خود رفتند و آنها را شکسته یافتند. با تفحص و جست و جو دریافتند که این کار، کار ابراهیم است. از ابراهیم بازجویی کردند. ابراهیم در پاسخ آنان گفت: «بت بزرگ دست به چنین کاری زده است؟!»

ابراهیم این سخن را به این منظور گفت که شاید آنها به خود آیند و بنگرند بت که سخن نمی گوید و فهم و شعور ندارد و نمی تواند ضرر را از خود دور کند و به دیگران آسیبی برساند، چگونه می تواند خدای هستی باشد؟

اما این صحنه هم ذهن بسته آنان را بیدار نکرد و تقلید کور کورانه از پدران نادان خود را براندیشه و تفکر ترجیح دادند.

از این رو، آتشی عظیم افروختند و ابراهیم را در آن پرتاب کردند. اما اراده حق تعالی این چنین بود که ابراهیم سالم بماند؛ چرا که هنوز دوره هایی از مأموریتش برای هدایت و ارشاد خلق و ساختن کعبه اجرا نشده بود.

ابراهیم که دعوت و تبلیغ را در آن سرزمین بی ثمر دید، از میان آن مردم بیرون رفت و گفت: «من از این سرزمین به جایی که پروردگارم

[24]

بخواهد می روم، او مرا هدایت می کند.» آن گاه رو به سوی سرزمین فلسطین نهاد.

ابراهیم که پس از سال ها ازدواج و رسیدن به سن پیری هنوز فرزندی نداشت، دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ هَبْ لی مِنْ الصَّالِحینَ؛ (8)

بارالها، از نیکو کاران (فرزندی) به من عطا کن.

خداوند هم به او بشارت داد که دعایت مستجاب شد و پسری بردبار به تو خواهم داد و به زودی اسماعیل به دنیا چشم گشود.

4. پس از آن که ابراهیم علیه السلام به فلسطین هجرت کرد، خداوند به او و هاجر، اسماعیل را عطا کرد. اما بر اثر اصرار ساره مجبور شد که اسماعیل و مادرش هاجر را به سرزمین دیگر برد. ابراهیم و هاجر و اسماعیل رفتند تا به مکه رسیدند و به راهنمایی جبرئیل همان جا توقف کردند. ابراهیم سایبانی برپا کرد و خانواده اش را در آن پناه داد و خود به سوی فلسطین بازگشت.

اراده الهی اینچنین تعلق گرفته بود که ابراهیم از ساره هم فرزند داشته باشد.

پس ساره به اسحاق باردار شد. اسماعیل و مادرش در مکه، و اسحاق و مادرش در فلسطین به سر می بردند و ابراهیم خلیل هم بین این دو سرزمین در رفت و آمد بود. فلسطین جای

خوش آب و هوا و

[25]

سرزمین حاصلخیز بود. اما در مکه نه آب بود و نه گیاه، نه درخت و نه زمین هموار. ابراهیم که به فرمان الهی در چنان جای کوهسار و خشک و بی آب و گیاه، خانواده اش را مسکن داده بود دلش شکست و حالش دگرگون شد دست به دعا برداشته گفت:

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاَجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ * رَبِّ إِنَّ هُنَّ أَضْلَلْنِي كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ * رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ * رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ * رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ * رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ (9)

بارالها، این سرزمین را امنیت ده و من و پسرانم را از پرستش بت ها دوردار. بارالها، بت پرستان بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس هر که مرا پیروی کرد از من است و هر کس نا فرمانی من کرد پس تو آمرزنده مهربانی. بارالها، من برخی از فرزندانم را در سرزمین بدون زراعت مکه نزد خانه محترم تو ساکن کردم، تا نماز را به پا دارند. پس دل های جمعی از مردم را میل و محبت آنان ده، و از میوه ها آنان را روزی ده،

[26]

باشد که شکر گزارند. بارالها، آنچه ما مخفی یا آشکار کنیم تو می دانی، و هیچ چیز در آسمان و زمین بر تو پوشیده نیست. حمد برای خداست که به سن پیری اسماعیل و اسحاق را به من بخشید، همانا پروردگارم شنونده دعاست. بارالها، من و بعضی از فرزندانم را بر پادارنده نماز قرارده، بارالها، دعای مرا بپذیر. بارالها، بیامرز مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را در روزی که حساب برپا می شود.

5 . انتخاب مکه برای سکونت اسماعیل و هاجر به فرمان خدا بود و ابراهیم به این منزلگه رضا داد. لیکن مکه جای آبادی نبود و میوه و حبوبات در آن تولید نمی شد. این است رمز این که ابراهیم بازهم دعا می کند و می گوید:

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَن آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ؛ (10)

بارالها، این سرزمین را امن قرارده و اهل آن را از میوه ها روزی ده؛ مردمی که ایمان به خدا و روز قیامت آورند.

خداوند متعال هم به دعای ابراهیم پاسخ مثبت داد و گفت: «هرکس کفرورزد مدتی کوتاه در این دنیا او را بهره دهم و آن گاه او را به سوی عذاب جهنم کشانم که بدجایی است.» امام باقر علیه السلام فرماید: «بر اثر این دعاست که میوه ها از سرزمین های دیگر به سوی مکه برده می شود.» (11)

[27]

6 . اسماعیل در مکه بالید و برآمد، و ابراهیم بین مکه و فلسطین در رفت و آمد بود. خانه کعبه اولین عبادتگاه در روی زمین و از دیر باز محل پرستش خدای متعال و راز و نیاز با او بوده است.

لیکن دیرزمانی بود که ویران شده و از یادها رفته بود. ابراهیم به فرمان الهی مأمور تجدید بنای کعبه شد. او با کمک اسماعیل به این مأموریت پرداخت. پایه ها بالا رفت و خانه حق برای طواف کنندگان و عبادت کنندگان مهیا شد.

ابراهیم و اسماعیل دست به دعا برداشتند:

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ (12)

بارالها، از ما بپذیر؛ تو شنوا و دانایی.

بارالها، ما دورا تسلیم خود قرارده و از فرزندان ما نیز تسلیم امر تو باشند، عبادات ما را به ما بیاموز و توبه ما را بپذیر، تو توبه پذیر مهربانی.

بارالها، در میان فرزندان ما پیامبری برگزین که آیات تو را بر مردم بخواند و کتاب و حکمت به آنان آموزد و آنها را تزکیه کند؛ همانا تو عزیز و حکیمی.

1 . شعراء (26) آیات 83 87 2 . پدران پیامبران مشرک و بت پرست نبوده اند. در عربی به پدر و نیز به عمو (که سرپرستی فرزند برادرش را به عهده دارد) «أب» گفته می شود. آزر بت تراش و بت پرست، عموی ابراهیم علیه السلام بود که سرپرستی او را عهده دار بود. 3 . احزاب (33) آیه 21.4 . ممتحنه (60) آیه 4.5 . ممتحنه (60) آیه 6.6 . ممتحنه (60) آیات 4 و 5.7 . صافی، ج5، ص163.8 . صافآت (37) آیه 100.9 . ابراهیم (14) 35 41.10 . بقره (2) آیه 126.11 . تفسیرالبرهان، ج1، ص154.12 . بقره (2) آیات 127 129.

نکته [28]

در آیه 129 سوره بقره ملاحظه شد که ابراهیم و اسماعیل از خداوند خواستند در میان امتی از ذریه آنان پیامبری برگزینند که آیات الهی را بر مردم بخواند و کتاب و حکمت به آنان آموزد و آنان را تزکیه کند، این دعای ابراهیم و اسماعیل چه زمانی مستجاب شد؟ در حدیث آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ؛ (1)

من به واسطه دعای پدرم ابراهیم به دنیا آمدم و مبعوث شدم.»

بنگر بین زمان دعای ابراهیم، و مستجاب شدن آن و به دنیا آمدن و مبعوث شدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم چقدر فاصله است! و از تأخیر استجاب دعا مأیوس مشو.

1 . تفسیرالبرهان، ج1، ص156.

دعای حضرت لوط علیه السلام [29]

لوط که در زمان حضرت ابراهیم می زیست پسر برادر آن حضرت و پیامبر الهی در شهر سدوم بود. او مردم شهر خود را به توحید و پاکی و درستی دعوت می کرد. ثمره ده ها سال تبلیغ و فراخوانی او، گرایش افرادی اندک بود. در میان مردم آن شهر، فساد اخلاق و آلودگی به اوج رسید به گونه ای که پیشتر سابقه نداشت. لوط که مردم را از گناه باز می داشت، تهدیدش کردند که اگر از تبلیغ دست بردارد او را از شهر بیرون می کنند. و گاه به نشانه تمسخر به او می گفتند: اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور. لوط دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ انصُرْنِي عَمَّا لِي الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ؛ (1)

بارالها، مرا بر قوم تبه کار و هرزه پیروز فرما.

لوط به مردم اعلام کرد من با کردار ناشایست شما دشمنم و دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ؛ (2)

[30]

بارالها، من و خاندانم را از کردار ناشایست آنها نجات بخش.

عذاب الهی بر آن مردم در رسید. لوط و خاندان و پیروان اندکش شبانه از شهر بیرون رفتند و صبحگاهان فرشتگان الهی عذاب آسمانی را بر مردم فاسق و تبه کار شهر سدوم فرود آوردند. 1 . عنكبوت (29) آیه 30.2 . شعراء (26) آیه 169.

دعای سربازان طالوت [31]

یکی از داستان های قرآنی داستان طالوت و جالوت است. بنی اسرائیل پس از دوره حضرت موسی علیه السلام به پیغمبر خود می گویند: «فرماندهی را بر ما بگمار تا به فرمان او در راه خدا پیکار کنیم.» از جانب حق تعالی، طالوت به فرماندهی آنان گماشته می شود. در آغاز آنان از این انتصاب رخ بر می تابند و نمی پذیرند، سرانجام با تأکید پیامبر الهی به آن تن می دهند و در رکاب او نبرد باجالوت کافر تبه کار و لشکر او حرکت می کنند. دولشکر مقابل یکدیگر صف آرایی می کنند و آماده نبرد می شوند. سربازان موحد طالوت در این هنگام دست به دعا بر می دارند و می گویند:

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَمَّاى الْكٰفِرِينَ؛ (1)

بارالها، صبر و پایداری بر ما فروریز، و گام های ما را استوار دار، و ما را بر کافران پیروز فرما. و سپس به کارزار می پردازند. موحدان پیروز، و کافران فراری می شوند.
1 . بقره (2) آیه 250.

دعای سلیمان علیه السلام برای حکومتی بی نظیر [32]
 سلیمان و پدرش داود از پیامبران الهی بودند که خداوند در قرآن کریم از آنان به نیکی یاد می کند. از آن جا که سلیمان علیه السلام شیفته اسب بود، لشکریان او مسابقه اسب دوانی ترتیب داده بودند تا برای نبرد با دشمن آماده باشند و سلیمان از آن سان می دید. مسابقه به درازا کشید و وقت فضیلت نماز سپری شد. خداوند که خواست سلیمان را بیازماید جنازه ای بر تخت او افکند. سلیمان به درگاه الهی رو کرد و دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مَلِكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِزْسَكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ (1)

خداوندا، مرا بیامرزد و حکومتی به من ببخش که شایسته هیچ کس پس از من نباشد، همانا تو بسیار عطا کننده ای.

خداوند متعال هم خواسته او را بر آورد و حکومتی بی نظیر به او عطا کرد. پس از گذشت هزاران سال هنوز هم داستان مَلِك سلیمان بر سر زبان هاست و از آن به بزرگی و عظمت یاد می شود.

1 . ص (38) آیه 35.

دعای سلیمان علیه السلام برای توفیق بر شکر نعمت های الهی [33]
 در دعای پیشین گفتیم که خداوند حکومتی بی نظیر به سلیمان داد. گرچه بسیاری از مردم آن
 گاه که به قدرت و ثروت می رسند خداوندی را که صاحب نعمت است فراموش می کنند، اما
 سلیمان هرگاه به نعمت های مادی و معنوی که خداوند به او و پیش تر به پدرش حضرت داود
 داده بود نظر می افکند، می گفت: این از فضل و کرامت خدای من است. به من نعمت داده تا
 ببیند سپاسگزاری یا ناسپاسی اش می کنم.

روزی سلیمان با لشکریانش از سرزمینی می گذشتند و شنید که مهتر مورچگان به مورچگان
 گفت: به لانه های خود بروید مبادا سلیمان و لشکریانش شما را لگدمال کنند. سلیمان که زبان
 همه موجودات را می دانست تا این سخن را شنید به خنده آمد و دست به دعا برداشت و
 چنین گفت:

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
 صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ (1)

بارالها، به من الهام کن نعمت هایی را که به من و به پدر و مادرم داده ای سپاس و شکر
 بگذارم، کارهای نیک که مورد پسند تو باشد انجام دهم و از سر لطف و رحمت خود، مرا در زمره
 بندگان نیکوکار قرار ده.

1 . نمل (27) آیه 19.

داود و سلیمان علیهماالسلام حمد الهی کردند[34]
حمد و سپاس کسی که کمک و یاری کرده است پسندیده و لازم است. و چه کسی چون خداوند بذل و بخشش و احسان می کند! او که هر چه نعمت و توان و کمال داریم از اوست. خداوند به دو پیامبرش داود و سلیمان نعمت های فراوانی داد و برخی نعمت ها به آن دو داد که به دیگران نداد. به داود علم قضاوت داد و آهن را در دست او نرم کرد و به سلیمان آشنایی به زبان پرندگان و حیوانات، تسخیر شیاطین و جن، هوانوردی و حکومت بی مانند داد. لیکن آن دو پیشوای موحدان، سپاس حق گزارند و گفتند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ (1)

حمد و سپاس از آن خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داد.
1 . نمل (27) آیه 15.

دعای بلقیس ملکه سبا [35]

خداوند به سلیمان حکومتی بی نظیر عطا کرد. پرنندگان نیز در تسخیر سلیمان بودند. روزی سلیمان در میان پرنندگان، هدهد را ندید. زمانی نگذشت که هدهد باز آمد و گفت: از سرزمین سبا برای تو خبری آورده ام. در آن جا زنی با امکانات بسیار و تختی عظیم حکم می راند و مردم آن در برابر خورشید سجده می کنند.

سلیمان نامه ای به ملکه آن سرزمین می نویسد و هدهد آن را به مقصد می رساند. ملکه پس از رایزنی و مشورت با سران، هدیه ای برای سلیمان می فرستد که سلیمان آن را نمی پذیرد. پس از گذشت زمان و مراحل، ملکه به سوی دربار سلیمان بار سفر می بندد و وارد کاخ سلیمان می شود و به نشانه توبه و ایمان می گوید:

رَبِّ اِزِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (1)

بارالها، من بر خودم ستم کردم و باسلیمان به خداوند عالمیان ایمان آوردم. 1. نمل (27) آیه 44.

دعای حضرت ایوب علیه السلام [36]

ایوب یکی از پیامبران الهی است که به خاطر صبرش زبانزد همگان است. خداوند به ایوب نعمت بسیار داده و او هم به طاعت الهی کمر بسته و شکرگزار نعمت های الهی بود. شیطان به بندگی ایوب حسد برد و گفت: خداوندا، اگر ایوب فرمانبر است به خاطر نعمت هایی است که به او داده ای، و گرنه فرمان نمی برد.

سرانجام، زمینه و زمان آزمایش ایوب فرا رسید و گرفتار امتحان الهی شد. ایوب ثروت و مکنّت و فرزندان را یکی پس از دیگری از دست داد. در تمام مراحل این آزمایش بزرگ، صبر ایوب بر حوادث و پیشامدهای تلخ چیره شد و آن گاه که نیمه جانی بیش برایش نمانده بود دست به دعا برداشت و چنین گفت:

أَنْزَى مَسَدِي الضَّرَّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ (1)

بارالها، ضرر و زیان به جان من رسید و تو ارحم الراحمین هستی.

شیخ طبرسی گوید: «این سخن ایوب، کنایه ای ظریف برای طلب حاجات است.» (2)

[37]

در آیه دیگر آمده است که ایوب چنین گفت:

أَنْزَى مَسَدِي الشَّيْطَانَ يَذُوبُ وَ عَذَابِي؛ (3)

پروردگارا، شیطان باسختی و رنج و عذاب به سراغ من آمد.

به هر حال، دعای ایوب مستجاب شد و از این امتحان بزرگ سربلند برآمد و بر شیطان و پیروانش روشن شد که ایوب در شادی و غم، دارایی و نداری، تندرستی و بیماری خدا پرست و خدا دوست است.

ندا رسید: «با پایت زمین را بخراش، چشمه ای بر می آید که آبش بیماری های تو را مداوا می کند و هم نوشیدنی گوارا برای تو است.» خداوند سلامتی را به او برگرداند و از فرزندان و خاندان دو چندان به او عنایت کرد. ثروت و مکنّت رفته باز آمد و زندگی او بیش از پیش رونق یافت.

درباره تفسیر «از فرزندان دو چندان به او عنایت کرد» از امام صادق علیه السلام پرسیدند، آن حضرت فرمود: «علاوه بر فرزندی که در این امتحان بزرگ از دنیا رفته بودند، فرزندی که پیش از آن هم از ایوب وفات یافته بودند، زنده شدند(4)».

1 . انبیاء (21) آیه 83 . 2 . مجمع البیان، ج7، ص59 . 3 . ص (38) آیه 41.4 . صافی، ج3، ص351.

دعاهای حضرت یوسف علیه السلام [38]

1. یکی از پیامبران الهی یوسف است. داستان یوسف در قرآن کریم بلند و پرنکته است. حسد برادران را وادار می کند که او را به چاه بیندازند. قافله ای سر می رسد و دلو را در چاه می افکنند تا آب بکشند و استفاده کنند. نا باورانه می نگرند به جای آب، نوجوانی زیبا از چاه سر برآورد. او را به بردگی می گیرند و در مصر به فروش می رسانند. یوسف به عنوان برده به کاخ عزیز مصر راه می یابد و زلیخا همسر عزیز شیفته یوسف می شود و می خواهد از او کام گیرد. یوسف پا کدامن پیغمبرزاده، به گناه تن نمی دهد. او را تهدید به زندان می کنند. یوسف دست به دعا برمی دارد و می گوید:

رَبِّ السَّيِّئِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ؛ (1)

بارالها، زندان برای من دوست داشتنی تر است از گناهی که مرا به سوی آن فرا می خوانند، اگر مکر زنان را از من مگردانی با آنان درآمیزم و از جاهلان خواهم بود. خداوند هم دعای او را مستجاب فرمود و مکر زنان دربار را از او

[39]

بگرداند. پس یوسف را زندانی کردند.

2. یوسف مدتی را در زندان می گذراند. سال ها و حکایت ها می گذرد تا آن که برای تعبیر خواب پادشاه مصر در زندان به نزد او می آیند. یوسف از موقعیت استفاده می کند، از بی گناهی خود می گوید، و از سبب زندانی شدن خود جویا می شود. پیام او را به پادشاه می رسانند. پادشاه زنان را احضار می کند. همه زنان، به ویژه زلیخا همسر پادشاه، بر گناهکاری خود و بی گناهی یوسف گواهی می دهند. یوسف از زندان آزاد، مقرب دربار و وزیر دارایی و اقتصاد می شود.

در کنعان مردم دچار قحطی می شوند و برای تهیه آذوقه به سوی مصر رو می آورند. مصر که با تدبیر یوسف دارای انبارهای بزرگ غله شده است پذیرای فرزندان یعقوب می شود. باز هم حکایت ها می گذرد تا آن گاه که خبر یوسف به یعقوب می رسد و یعقوب و خاندانش راهی مصر و بر سرای بزرگ یوسف وارد می شوند.

یوسف، پدر و مادرش را احترام می کند و بر تخت می نشاند و برادرانش در برابر او به خاک در می افتند و برای خداوند سجده می گزارند. با پدید آمدن چنین صحنه ای، خوابی که یوسف در نوجوانی دیده بود و به پدرش بازگو کرده بود تعبیر می شود. در چنین شرایطی یوسف دست به دعا بر می دارد و با خداوند چنین مناجات می کند:

[40]

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَرَبِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ؛ (2)

بارالها، تو به من ریاست دادی، و تعبیر خواب را تو به من آموختی، ای آفریننده آسمان ها و زمین، تو ولی و سرپرست منی در دنیا و آخرت، مرا مسلمان بمیران و به نیکوکارانم بپیوند. یوسف (12) آیه 33.2 . یوسف (12) آیه 101.

دعای حضرت یونس علیه السلام [41]

حضرت یونس یکی از پیامبران الهی بود. او زمانی دراز مردم را به توحید و یکتا پرستی فرا خواند. لیکن این دعوت و تبلیغ طولانی مردم را به راه نیاورد و آنان همچنان بر کفر خود لجاجت می کردند. در این هنگام که یونس از جهل و کفر آنان به خشم آمده بود، پیش از آن که از خداوند اجازه گیرد از شهر خارج شد و سر به بیابان گذاشت. رفت تا به دریا رسید. به قدرت الهی یک ماهی بزرگ دهان باز کرد و یونس را بلعید. یونس بدون آن که در شکم ماهی هضم شود زندانی شد و دانست این سزای آن است که بدون اذن الهی، مأموریت خود را رها کرده است. در چنین شرایطی بادلای شکسته و قطع امید از همه جا، دعا کرد و گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ (1)

خدایا، معبودی به جز تو نیست، منزه هی از هر عیب، به درستی که من از کسانی هستم که بر خود ستم کردم.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ما دعای او را مستجاب کردیم

[42]

و او را از غم نجات دادیم، و این چنین همه مؤمنان را نجات می دهیم.»
حضرت یونس که از شکم ماهی و دریای عمیق نجات یافته بود، به محل مأموریت خود باز آمد و مردم هم که در غیاب او به خود آمده بودند به گرد او جمع شدند و راه پاکی و خدا پرستی در پیش گرفتند.

1 . انبیاء (21) آیه 87 .

چند نکته

1 . خداوند در پایان داستان یونس می فرماید: «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ؛ ما این چنین مؤمنان را از غم و گرفتاری نجات می دهیم.» گویا داستان یونس برای این در قرآن آمده است که این قانون کلی و سنت همیشگی الهی بازگوشود: نجات مؤمنان گرفتار، برنامه دائمی خداست که در همه زمان ها و مکان ها و در تمام نسل ها جاری است. پر واضح است که این بشارت و مژده ای برای همه ماست.

پیامبر گرامی ما فرمود: «آیا شما را راهنمایی کنم به اسم اعظم الهی، که هر گاه خداوند با آن اسم خوانده شود جواب دهد، و هر گاه با آن اسم از خداوند درخواست شود پاسخ دهد؟ آن دعای یونس است که در تاریکی ها خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

مردی پرسید: ای رسول خدا! آیا این دعا مخصوص یونس بود یا برای همه مؤمنان است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیا نشنیدی بقیه آیه را: «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.»» (1)

2 . عارفان الهی به دعای حضرت یونس اهمیت فراوان می دهند

[43]

و بدان اهتمام ورزند و آن را ذکر یونسیه نامند.

3 . دعاهاى معصومان عليهم السلام ریشه قرآنی دارد. چرا که آنان فرزندان قرآنند و از معرفت زلال قرآنی بهره مندند. امام حسین علیه السلام با اقتباس از دعای حضرت یونس، در دعای عرفه گوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجَلِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّغِبِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوْلِيَّينَ ؛

به جز تو خدایی نیست، منزّهی از عیب، من از ستمکارانم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از استغفار کنندگانم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از یکتا پرستانم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از بیمناکان از عذاب توام. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از افراد ترسانم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از آرزومندانم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از لا اله الا الله گوینم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از گدایانم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از تسبیح گوینم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو، من از اکبر گوینم. به جز تو خدایی نیست، منزّهی تو که پروردگار من و پروردگار

[44]

پدران پیشین منی.

1 . قوارع القرآن، ص 67 .

چند حدیث در فضیلت این دعا

1 . پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم : «هر بیمار مسلمانی که این دعا را بخواند، اگر در آن بیماری (بهبودی نیافت و) مرد پاداش شهید به او داده می شود، و اگر بهبودی یافت خوب شده در حالی که تمام گناهانش آمرزیده شده است.»(1)

2 . رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم : «آیا به شما خبر دهم از دعایی که هر گاه غم و گرفتاری پیش آمد آن دعا را بخوانید گشایش حاصل شود؟» اصحاب گفتند: آری ای رسول خدا. آن حضرت فرمود: «دعای یونس که طعمه ماهی شد: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.»(2)

3 . امام صادق علیه السلام : «عجب دارم از کسی که غم زده است چطور این دعا را نمی خواند لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» چرا که خداوند به دنبال آن می فرماید: «فَأَسْتَجِبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ.» (ما او را پاسخ دادیم و از غم نجات دادیم و اینچنین مؤمنان را نجات می دهیم.) (3)

4 . مرحوم کلینی نقل می کند: مردی خراسانی بین مکه و مدینه در ریزه به امام صادق علیه السلام برخورد و عرضه داشت: فدایت شوم من تاکنون فرزنددار نشده ام، چه کنم؟

[45]

حضرت فرمود: «هر گاه به وطن برگشتی و خواستی به سوی همسرت روی، آیه وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ را تا سه آیه بخوان، این شاء الله فرزنددار

خواهی شد.»(4)

1 . قوارع القرآن، ص 67.2 . کشاف، ج 3 ص 132، پاورقی.3 . خصال، ص 218.4 . کافی، ج 6، ص 10.

دعای اصحاب کهف [46]

داستان اصحاب کهف را خوانده و شنیده ایم. گروهی از جوانان مؤمن و خداپرست که از جو کفرآمیز جامعه و حکومت پلید زمان نفرت دارند و به خشم آمده اند، راهی کوه و بیابان می شوند تا بتوانند با آزادی خدا را عبادت کنند و با حق تعالی انس گیرند. وقتی که مسیر را پیمودند و به غار پناه بردند، در آن جا دست به دعا برداشتند و چنین گفتند:

رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا؛ (1)

بارالها، از نزد خودت به ما رحمت ده، و رشد و پیشرفت در کار برای ما مهیا کن. طالبان رحمت الهی و راهیان رشد و ایمان و نیکیبختی و هدایت الهی، شایسته است این دعا را زمزمه کنند.

1 . کهف (18) آیه 10.

دعای حضرت شعیب علیه السلام [47]

شعیب یکی از پیامبران الهی بود که در راه ابلاغ توحید و هدایت مردم رنج ها برد و از نامردمان و پیروان شرک و شیطان مصیبت ها کشید. مردمان مدین، هم در اعتقادات و باورها دچار گمراهی و کج اندیشی بودند وهم در رفتارهای اجتماعی به بیراهه می رفتند و هم در داد و ستد اهل خیانت بودند. شعیب به فرمان الهی دامن همت به کمرزده به تبلیغ توحید ناب، و مبارزه با مفساد اجتماعی و اقتصادی آنان می پرداخت.

اما مردمی که به باورهای باطل و عادت های نادرست خو گرفته بودند شعیب را تخطئه و از باورها و سنّت های خود دفاع می کردند. شعیب به آنان گفت: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛ (1) من قصدی به جز اصلاح تا آن جاکه بتوانم، ندارم. موفقیت من به دست خداست، بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم.»

شعیب مردم را به توبه و توحید فراخواند و از این که عذاب الهی، که بر امت های پیشین نازل شده، بر آنان نیز نازل شود آنان را بیم داد.

[48]

اما آن مردم به جای هشیاری، شعیب را تهدید کردند که اگر حرمت خویشانت نبود، تو را سنگسار می کردیم.

روشنگری و مبارزه فرهنگی فکری شعیب ادامه یافت تا آن هنگام که سران کفر و جهل، شعیب و مؤمنان را بر سر دوراهی قرار دادند و گفتند: «به آیین ما برگردید، و گرنه شما را از شهر بیرون می کنیم.» شعیب در پاسخ گفت: «پس از آن که خدای متعال ما را از آیین شما نجات بخشید اگر به آن بر گردیم بر خداوند افترا بسته ایم» و سپس گفت:

وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَّاهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ؛ (2)

دانش پروردگار ما همه چیز را فرا گرفته است، بر خداوند توکل کردیم. بارالها، بین ما و این مردم به حق داوری کن و تو بهترین داورانی.

نفرین شعیب مستجاب شد و عذاب الهی بر تبهکاران فرود آمد.

1 . هود (11) آیه 88 . 2 . اعراف (7) آیه 89 .

دعاهای حضرت موسی علیه السلام [49]

1. یکی از داستان های بلند قرآن کریم، داستان موسی و فرعون است. خوابگزاران و منجمان به فرعون می گویند: به زودی فرزندی به دنیا می آید که تاج و تخت تو را نابود می سازد. با این خبر وحشتناک، فرعون دست به کار می شود تا موسی به عرصه هستی قدم نگذارد. اما به خواسته الهی و علی رغم خواسته فرعون، موسی به دنیا چشم گشود و به اعجاز الهی در دامن خود فرعون بالید و بزرگ شد و آن گاه که جوانی نیرومند شد خداوند به او علم و حکمت داد.

موسی، یک روز خلوت داخل شهر شد. دید دو نفر در حال نزاع و نبرد هستند و یکی از آنان از پیروان اوست. آن که پیرو موسی بود موسی را به کمک خواست. موسی به یاری او شتافت و بر اثر ضربه موسی، خصم از پا در آمد. در این هنگام، موسی منقلب شد و دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی؛ (1)

بارالها، من بر خود ستم کردم، مرا ببامرز.

خداوند هم او را آمرزید.

موسی باز هم دعا کرد و گفت:

[50]

رَبِّ یَمَا اَنْعَمْتَ عَلَیَّ فَلَئِنْ اُكُوْنَ ظَهْرًا لِّاِلْمِ جُرْمِیْنَ؛ (2)

خداوندا، به خاطر نعمتی که به من دادی هیچ گاه پشتیان گنه کاران نخواهم بود.

صبح روز بعد موسی با بیم و هراس در شهر گردش می کرد. دید مرد دیروزی، امروز هم با کسی درگیر است. باز هم موسی را به کمک خواست. طرف مقابل به موسی رو کرد و گفت:

آیا می خواهی مرا بکشی آن چنان که دیروز دیگری را کشتی! تو زورگویی نه مصلح!

از آن طرف شهر مردی سر می رسد و می گوید: ای موسی! سران گرد آمده اند و برای کشتن تو نقشه می کشند، هر چه زودتر از شهر خارج شو!

موسی با احتیاط و مراقبت از شهر بیرون شد و چنین دعا کرد:

رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ؛ (3)

پروردگارا مرا از گروه ستمکار نجات ده.

موسی سپس رو به سوی مدین، شهر شعیب پیامبر، گذارد و به راه افتاد و گفت:

عَسَى رَبِّی اَنْ یَّهْدِیْنِی سَوَاءَ السَّبِّیلِ؛ (4)

امیدوارم پروردگارم مرا به بهترین راه هدایت کند.

2. موسی به شهر مدین رسید. در بیرون شهر مردمی را دید که در کنار چاهی جمع شده اند و از آن آب می کشند و گوسفندان خود را

[51]

سیراب می کنند. موسی دید دو زن دورتر ایستاده اند و در انتظارند. به نزد آنان رفت و پرسید: چرا این جا ایستاده اید؟ آن دو در جواب گفتند: وقتی که چوپان ها از چاه آب کشیدند و گله خود را آب دادند و دور شدند ما سر چاه می آییم، آب می کشیم و گوسفندان خود را سیراب می کنیم.

موسی از سر وظیفه الهی و نوع دوستی، به سر چاه آمد، برای آنان آب کشید و گوسفندان آنان را سیراب کرد. آنان به راه افتادند و زودتر از هر روز به خانه رسیدند.

موسی که در مدین غریب بود و راه به جایی نمی برد، به زیر سایه درختی رفت تا بیاساید و خستگی راه از تن به در کند و چون امکانات و آذوقه نداشت دست به دعا برداشت این چنین خدا را خطاب کرد:

رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ (5)

بارخدایا، من به هر آنچه بر من فرو فرستی محتاجم.

دعای موسی مستجاب شد. دختران شعیب که زودتر از هرروز به خانه برگشته بودند ماجرای یاری جوانی ناشناس را برای پدر بازگفتند.

پدر یکی از آنان را به دنبال موسی فرستاد تا او را بیاورد. موسی به خانه شعیب آمد. از او پذیرایی کردند و چون توانایی و درستی و امانت او را دیدند او را به گرمی پذیرفتند. موسی داماد شعیب و صاحب همسر و زندگی شد.

گرچه در برخی روایات آمده است موسی در آن هنگام که این دعا

[52]

را کرد به نانی محتاج بود، اما این دعا مخصوص نان و خوراکی نیست بلکه برای همه احتیاجات به کار می آید. دلیلش این است که موسی پس از این دعا صاحب همه چیز شد.

3 . موسی مدتی را که با شعیب عهد بسته بود در مدین بماند و سپس با خانواده و گله و دارایی خود رو به سوی وطن آورد تا به طور سینا رسید. در آن جا، نوری از دور پدیدار شد. به سوی آن رفت تا برای گرم شدن همراهان از آن شعله ای برگیرد. آن نور حق تعالی بود که بر درختی تجلی کرده بود. در آن جا بزرگ ترین حادثه زندگانی موسی که رسالت اوست رخ می نماید. موسی پیامبر شد و معجزه هم، که دلیل صدق ادعای وی بود، به او اعطا شد.

سر آغاز مأموریت او، رفتن به دربار فرعون و هشدار و انذار و دعوت او به سوی خداوند متعال اعلام شد.

در این هنگام که موسی مأموریت را دشوار یافت به درگاه الهی رو کرد و گفت:

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي *
يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَرُونَ أَخِي * أَشَدُّ بِهِ أَزْرِي *
وَآتُوكَ فِي أَمْرِي * كَی نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا * إِنَّكَ كُنْتَ بَيْنَا
بَصِيرًا؛ (6)

بارالها، سینه ام را گشاده دار. مأموریتم را برایم آسان کن. گره از زبانم بگشا. تا سخنم را بفهمند. از خاندانم برایم یآوری قرارد. که هارون

[53]

برادرم باشد. پشتم را به او محکم کن. و او را در مأموریتم شریک کن. تا تو را تسبیح بسیار گویم و بسیار تو را یاد کنیم. به درستی که تو با خبر و بینا بر احوال مایی.

خدای متعال پاسخ داد: «ای موسی خواسته ات را بر آورده ساختم.»

سپس خداوند شیوه برخورد با فرعون را اینچنین به موسی و هارون آموخت:

«به سوی فرعون روید؛ چرا که او راه طغیان در پیش گرفته است، به نرمی با او سخن گوید،

شاید به خود آید یا بترسد.» موسی و هارون گفتند:

رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا وَ أَنْ يُطْغَى؛ (7)

بارالها، ما می ترسیم بر ما ستم کند یا راه طغیان و نافرمانی پیش گیرد.

خداوند پاسخ داد: «نترسید، من با شمایم، آنچه پیش آید می شنوم و می بینم.»

1 . قصص (28) آیه 16.2 . قصص (28) آیه 17.3 . قصص (28) آیه 21.4 . قصص (28) آیه 22.5 .

قصص (28) آیه 24.6 . طه (20) آیات 25 35.7 . طه (20) آیه 45.

دعای ساحران مؤمن موسی و هارون به فرمان الهی رهسپار دربار فرعون شدند و به فرمان پروردگار به نرمی با او سخن گفتند. از آزادی بنی اسرائیل، عذاب قیامت، خدانشناسی، نعمت های الهی، مرگ، معاد و آیات دیگر الهی برایش گفتند و معجزات الهی را به او نشان دادند. فرعون، معجزات الهی را سحر موسی دانست و روز عید را برای مبارزه با آن تعیین کرد. [54]

فرعون داناترین ساحران را گردآورد و به آنان دلگرمی و وعده داد که اگر موسی را شکست دادند از مقرّ بان او خواهند شد. روز عید فرا رسید. همه در مکان مقرر گرد آمدند تا مبارزه ساحران نامدار را با موسی و هارون ببینند. در آغاز ساحران به سحر پرداختند به گونه ای که موسی بترسید. ناگهان ندا آمد: «ای موسی، نترس، تو برتری، عصایت را بینداز تا ساخته های ساحران را ببلعد.» موسی به فرمان خدا دست به کار شد. عصایش را افکند. در دم به اعجاز الهی سحر ساحران را ببلعید و کاری کرد که ساحران فرعون به سجده در افتادند و به حقانیت خداوند و صدق موسی و هارون و پوچی ادّعای خدایی فرعون گواهی دادند. فرعون روبه آنان کرد و گفت: پیش از آن که من به شما اجازه دهم به خدا ایمان آوردید؟ این نقشه را طرح کردید که مردم را پراکنده و از شهر بیرون کنید؛ به زودی خواهید فهمید! دست و پایتان را برعکس یکدیگر می برم و همه شما را به دار می آویزم. ساحران تازه ایمان آورده گفتند: ما به سوی پروردگاران برمی گردیم و تو که ما را مجازات می کنی برای آن است که ما وقتی معجزه الهی را دیدیم ایمان آوردیم. و در این هنگام دست به دعا برداشتند و گفتند:

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ؛ (1)
 بارخدایا، صبر و پایداری بر ما ببار و ما را مسلمان بمیران.
 1 . اعراف (7) آیه 126.

دعای مؤمنان [55]

موسی و هارون مدتی در میان بنی اسرائیل به تبلیغ توحید و ایمان و مبارزه و آزادی دست زدند، اما به جز افرادی اندک ایمان نیاوردند. چرا که ترس از فرعون و حکومت ظالمانه اش مانع از گرایش مردم به موسی می شد.

موسی که به همین گروه اندک نیز اطمینان خاطر نداشت، برای تقویت ایمان و روحیه آنان گفت: «اگر مؤمنید و از مسلمانانید بر خداوند توکل کنید.»

آنان گفتند: بر خداوند توکل کردیم. و سپس رو به جانب پروردگار بزرگ کردند و چنین دعا کردند: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ تَجِّنَّا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ (1) بارالها، ما را هدف قوم ستمکار قرارنده و به رحمت خود ما را از شر کافران نجات بخش.

6. موسی به فرمان الهی به دعوت توحیدی ادامه می داد، اما کمتر کسی به او ایمان می آورد و فرعون ستمگر و دستگاه جبارش بر فشار خود به موسی و هارون می افزود. اما شدت عمل فرعونیان و گمراهی مردم مانع از کار موسی نشد. از این رو با ایمان کامل و با قاطعیت اعلام کرد:

[56]

أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ؛ (2)

سر نوشتم را به خدا سپردم، به درستی که خدا بر بندگانش بیناست.

مکنت و ثروت و قدرت فرعونیان چشم ها را خیره کرده بود. مردم هم که دارای رشد عقلانی نبودند بین موسی و مؤمنان از یک سو، و فرعون و دستگاه سلطنتش از سوی دیگر مقایسه می کردند و پیداست وقتی که ملاک در مقایسه، ظواهر مادی و لباس و کاخ و پول و زر باشد کفّه فرعون برتری دارد و موسی و هارون به او نمی رسند. چرا که فرعون سلطان دنیاپرست و جمع کننده قدرت و ثروت بود، موسی و هارون پیام آور ایمان و اعتقاد و عدالت و آزادی بودند.

موسی که ثروت و جاه و جلال مادی فرعون و اطرافیانش را مانع گرایش مردم به توحید و تقوا می دید، در مناجات با خداوند چنین گفت:

رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّوَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلى أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ (3)

بارالها، تو به فرعون و اطرافیانش جمال و مال در دنیا داده ای، اما آنان به جای شکر گزاری از راه تو گمراه شدند. بارالها، اموالشان را نابود و دل هایشان را سنگ کن تا دیگر ایمان اجباری نیاورند تا آن که عذاب دردناک را ببینند.

1. یونس (10) آیات 85، 86، 2. غافر (40) آیه 44.3. یونس (10) آیه 88.

نکته [57]

پس از این مناجات، خداوند فرمود: «دعای شما مستجاب شد.»

در تفسیر این آیه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بین این دعا و مستجاب شدن آن و نابودی فرعون چهل سال فاصله شد.» (1) از این حدیث در می یابیم که گاهی ممکن است بنابه مصالحی که خدا می داند اجابت دعای ما به تأخیر افتد که نباید

مأیوس شد بلکه همچنان باید به فضل و رحمت خداوند امیدوار بود تا زمان استجاب دعا فرا رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «عجب دارم از کسی که علیه او نقشه می کشند و حيله به کار می برند؛ چرا نمی گوید: «أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» در حالی که خداوند درپی آن فرماید: (تا موسی این جمله را گفت و کارش را به خدا سپرد) خداوند موسی را از شرّ حيله های فرعونیان حفظ کرد.»

7 . آن گاه که موسی می خواهد چهل روز به میقات به کوه طور رود، برادرش هارون را به جانشینی خود می گمارد.

موسی به میقات می رود. در آن جا خواستار رؤیت حق تعالی می شود. خداوند به او می فرماید: «هرگز مرا نمی بینی، به کوه بنگر اگر کوه پس از تجلّی خداوند بر آن، آرام گرفت مرا می بینی.»

[58]

و آن گاه که خداوند بر کوه تجلّی کرد، کوه خرد شد و موسی بی هوش در افتاد. وقتی که به هوش آمد خطاب به خداوند گفت:

سُدُّجَانِكَ تَبَّتْ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ؛ (2)

بارالها، منزهی، به سوی تو توبه می کنم و من نخستین ایمان آورندگانم.

8 . میقات موسی به سر آمد و پس از چهل روز به جمع مردم بازگشت. وقتی از گوساله پرستی مردم با خبر شد اندوه وجودش را فراگرفت. به خشم آمد و الواح تورات را بر زمین افکند و با هارون بیاویخت.

هارون گفت: «برادر، این مردم مرا ضعیف داشتند، نزدیک بود مرا بکشند و هر چه آنان را به هدایت خواندم بی ثمر ماند.» در چنین شرایطی موسی دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَتِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ (3)

بارالها، من و برادرم را بیامرز و ما را به رحمت خود داخل کن، تو ارحم الراحمین هستی.

9 . هنگامی که موسی نوبت دیگر خواست به میقات برود، از میان مردم خود هفتاد نفر را انتخاب کرد و همراه خود برد. چون به میقات رسیدند چنان لرزشی آنان را فرا گرفت که یقین به نابودی خود کردند. در چنین شرایطی موسی به دعا برخاست و چنین گفت:

[59]

رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِيَّايَ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيْنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ * وَآكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ؛ (4)

بارالها، اگر می خواستی آنان و مرا پیشتر هلاک می کردی، آیا به جهت کار سفیهان ما، ما را نابود می کنی، این امتحان تو است که به وسیله آن هر که را خواهی گمراه و هر که را خواهی هدایت می کنی، تو سرپرست و ولی مایی، ما را بیامرز و ما را رحمت کن، تو بهترین آمرزندگان. و برای ما در این دنیا نیکی و نعمت مقرر فرما و در آخرت نیز. ما به سوی تو باز گشتیم.

10 . وقتی که موسی و بنی اسرائیل از دریا گذشتند و فرعون و لشکرش در دریا غرق شدند، موسی به بنی اسرائیل رو کرد و گفت: «نعمت های الهی را به یاد داشته باشید؛ چرا که در میان شما پیامبران و پادشاهان قرارداد و نعمت هایی به شما داد که به هیچ کس نداد، اکنون

به سرزمین قدس داخل شوید.»
بنی اسرائیل در پاسخ گفتند: «قومی ستمگر در آن سرزمین هستند و تا زمانی که از آن جا خارج نشوند ما داخل نمی شویم، ای موسی تو و خدایت بروید و بجنگید، ما این جا نشسته ایم!»

موسی که آن همه تلاش و تبلیغ را برای هدایت و رهانیدن آن مردم

[60]

از چنگ فرعون، نقش بر آب دید، دست به دعا برداشت وگفت:
رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَأَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ؛ (5)
بارالها، من اختیار خود و برادرم را دارم، خودت بین ما و این قوم فاسق جدایی انداز.
در این هنگام حق تعالی فرمود: آنها باید چهل سال سرگردان در بیابان به سربرند و تو بر این مردم فاسق افسوس مخور.

1 . تفسیرالبرهان، ج2، ص194.2 . اعراف (7) آیه 143.3 . اعراف (7) آیه 151.4 . اعراف (7) آیات 155 156.5 . مائده (5) آیه 25.

دعای بنی اسرائیل [61]

موسی در غیاب خود هارون را به جانشینی تعیین کرده بود. هارون هم با نهایت دلسوزی به مسؤولیت خود قیام کرد و به راهبری و هدایت مردم پرداخت. گروهی که به موسی گرویده بودند از ایمان قوی و صبر و ثبات کامل برخوردار نبودند و پیوسته با بهانه گیری های خود، موسی و هارون را می آزردهند.

وقتی که موسی به میقات رفت، مؤمنان دو دل و متزلزل هارون را تنها دیدند و زمینه را برای شیطنت خود آماده یافتند. سامری از زیور آلات آنان گوساله ای ساخت که آن را می پرستیدند. اما به زودی پشیمان شدند و دریافتند که بیراهه رفته اند. از این رو، به درگاه الهی روی آوردند و با تضرع و خشوع گفتند:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّنَا وَبِغُفْرِكَ لَنَا لَنْكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ (1)

اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، از زیانکاران خواهیم بود. 1. اعراف (7) آیه 149.

دعای همسر فرعون [62]

در سوره تحریم به ناسازگاری بعضی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اشاره شده است و در پایان سوره چند نمونه مثبت و منفی از زنان خوش بخت و بدبخت یاد می شود. دو نمونه منفی و بد عاقبت، همسران نوح و لوط هستند. آن دو با این که با دو پیامبر الهی در زیر یک سقف زندگی می کردند، از چنین زمینه ای بهره نگرفتند تا به کمال معنوی برسند بلکه به آن دو پیامبر خیانت کردند و اهل آتش شدند. در مقابل، از دو نمونه مثبت یاد می شود؛ یکی مریم، و دیگری آسیه همسر فرعون. آسیه در خانه فرعون بود و با او زندگی می کرد، اما ادعای خدایی او را باور نداشت، بلکه یک انسان موحّد بود که خداوند در قرآن کریم از او به عنوان نمونه و مَثَل برای مؤمنان یاد می کند. گویند وقتی فرعون دانست که همسرش خداپرست است به دستور او شکنجه اش کردند تا زیر شکنجه جان داد.

ملکه موحّد فرعون در زیر شکنجه این گونه خدا را می خواند و دعا می کرد:

رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْآجِنَّةِ وَ زَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَ زَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ (1)

[63]

بارالها، برای من نزد خودت در بهشت خانه ای بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده، و مرا از قوم ستمکار رهایی بخش.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «سه نفر، یک چشم بر هم زدن به وحی کافر نشدند، مؤمن آل یاسین، علی بن ابی طالب، آسیه همسر فرعون (2).»

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، آسیه همسر فرعون را یکی از چهار زن برتر بهشتیان شمرد.

1 . تحریم (66) آیه 11.2 . نورالثقلین، ج5، ص377.

دعاهای حضرت زکریا علیه السلام [64]

برای درخواست فرزند

زکریا یکی از پیامبران الهی است. او یک عمر توحید و خدا پرستی و پاکی و درستی را تبلیغ کرد و مردم را به راه راست هدایت نمود. آن گاه که به سن پیری رسید فکر می کرد به زودی مرگ به سراغ او خواهد آمد و در غمی جانگناه فرورفت.

غم و اندوه زکریا برای آن بود که فرزندی نداشت و از نزدیکان او هم کسی نبود که راه او را ادامه دهد و از این نظر بسیار اندوهگین شد که مشعل هدایتی که از دیر باز در خاندان او و به دست پدران او بوده است به خاموشی گراید.

پیری خود و عقیم بودن همسر، او را از چشم داشتن به لطف الهی باز نداشت او این خواسته و آرزوی خود را در موارد گوناگون از خداوند درخواست کرد که در سه جای قرآن کریم از آن یاد شده است:

الف) حذّه همسر عمران در حال حاملگی نذر کرده بود فرزندی که به دنیا می آورد خدمتگزار بیت المقدس شود. وقتی که زایمان کرد دختر زایید و گفت: «خداوندا دختر زاییدم گرچه آرزو داشتم پسر باشد و او را مریم نامیدم و از شیطان رجیم به تو پناه دادم.»

[65]

خداوند هم نذر او را قبول کرد. زکریا که شوهر خاله مریم و بزرگ بیت المقدس بود سرپرستی مریم را برعهده گرفت و او را بزرگ کرد. و در میان مسجد برای او محرابی ساخت که مریم در آن به عبادت می پرداخت. زکریا هر گاه برای سرکشی به مریم به محراب او داخل می شد مشاهده می کرد طعام گوارا و میوه های غیر فصل نزد مریم موجود است، از مریم می پرسید: «اینها از کجا برای تو آمده است؟»

جواب می شنید: «از جانب خداوند متعال آمده، و خداوند به هر کس خواهد روزی بی حساب می دهد.»

در این هنگام، عبادت و معنویت و کمالات مریم، زکریا را تکان داد و باخود گفت: چه می شد من چنین فرزندی داشتم و بلا فاصله دست به دعا برداشت و گفت:

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ ذُرِّيَّةٍ طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ (1)

بارالها، به من ذریه و فرزندی پاکیزه از نزد خود ببخش، به درستی که تو شنونده دعایی.

سپس در حالی که در محراب نماز می گزارد فرشتگان الهی به او بشارت دادند که خداوند فرزندی به نام یحیی که بزرگ و پاکدامن و پیامبر خواهد بود به تو عطا می کند.

زکریا ناباورانه گفت: «کجا من پسری خواهم داشت، چرا که خود پیر و همسرم نازاست؟!»

جواب آمد: «خداوند انجام می دهد آنچه را خواهد.»

[66]

ب) در آغاز سوره مریم آمده است: یاد کن رحمت پروردگارت را بر حضرت زکریا. آن گاه که آهسته پروردگارش را خواند و گفت:

رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْدَىٰ عَلَيَّ الرِّئَاسُ شَيْبًا وَكَمْ أَكُنُ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا * وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَرِيًّا * يَرْتُدِّي وَيَرثُ مِنْ آلٍ يَعْقُوبَ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا؛ (2)

بارالها، استخوانم سست شده و موی سپید سرم را فرا گرفته است، تاکنون هر گاه تو را خوانده ام بدعاقت نبوده ام. من از موالی پس از خود می ترسم، همسرم نیز عقیم است،

فرزندی به من عطا کن از جانب خود که وارث من و وارث آل یعقوب باشد، و او را پسندیده بدار. از جانب خداوند ندا آمد: «ای زکریا تو را بشارت می دهیم به پسری که نامش یحیی است و پیش از این همنامی نداشته است.»
 زکریا گفت: «پروردگارا، کجا من پسری خواهم داشت در حالی که همسر من نازاست؟»
 جواب آمد: «خداوند تو اینچنین می خواهد و برای او آسان است. پیشتر تو را آفریدم در حالی که چیزی نبود.»

خداوند یحیی را با کتاب و حکمت به زکریا عطا فرمود.

(ج) در سوره انبیاء، در مقام یاد پیامبران و اشاره به زندگی و بندگی شان، آن گاه

[67]

که نوبت به زکریا می رسد، خداوند می فرماید: آن گاه که زکریا پروردگارش را ندا داد و گفت:
 رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ (3)
 بارالها، مرا تنها نگذار و تو بهترین وارثانی.

و خداوند فرماید: «ما دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را به صلاح آوردیم، آنان در کارهای خیر شتاب داشتند و با امید و بیم ما را می خواندند و در برابر ما خاشع بودند.»

1 . آل عمران (3) آیه 38.2 . مریم (19) آیات 3 5.3 . انبیاء (21) آیه 89.

چند حدیث

1 . در تاریخ آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هر گاه حضرت علی علیه السلام را در جنگ ها به میدان می فرستاد دعا می کرد و می گفت: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»؛ بارالها مرا تنها مگذار یعنی علی را از من مگیر و تو بهترین وارثانی.» (1)
 2 . مرحوم کلینی از حارث نصری حکایت می کند که او گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: خاندان من همه منقرض شده اند و من هم فرزندی ندارم. (کنایه از این که به من دعایی تعلیم کن تا به برکت آن فرزندان شوم) .

حضرت فرمود: در سجده بگو: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»، «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ».
 حارث گوید: من به دستور حضرت عمل کردم و در سجده ام این

[68]

دو آیه را خواندم. خداوند به من دو پسر به نام های علی و حسین عطا کرد.» (2)

3 . علی بن محمد صیمری کاتب گوید: «با دختر جعفر بن محمد کاتب ازدواج کردم و او را بسیار دوست داشتم، اما از این ازدواج فرزندی نصیبم نشد. به سراغ امام هادی علیه السلام رفتم و داستان خود را برای او باز گفتم. او تبسم کرد و فرمود: انگشتی فراهم کن که نگینش فیروزه باشد و بر آن بنویس: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» . صیمری گوید: به دستور حضرت عمل کردم، یک سال نگذشت که از آن همسر پسری روزی ام شد.» (3)

روایات دیگری هم درباره نحوه طلب فرزند از خداوند آمده است. (4)

1 . مروج الذهب، ج 2، ص 422.2 . کافی، ج 6، ص 8 و نیز مجمع البیان، ج 7، ص 61.3 . نور الثقلین، ج 3، ص 456.4 . کافی، ج 6، ص 7 10؛ نور الثقلین، ج 3، ص 456.

دعای مادر مریم [69]

حذّهُ همسر عمران بود و هردو از موحدان و از خاندان بزرگ توحید و یکتا پرستی بودند. هنگامی که حذّه باردار شد نذر کرد که فرزندی که در راه دارد خدمتگزار بیت المقدس شود. او که انتظار داشت فرزندش پسر باشد، به هنگام زایمان دریافت نوزادش دختر است. او را مریم نامید و زکریای پیامبر، بزرگ بیت المقدس و شوهر خاله مریم سرپرستی او را به عهده گرفت. مریم همراه با رشد جسمی، جانش نیز در پرتو تعلیمات الهی پرورش یافت و بدون همسر با نفخ روح الهی عیسی را بزاد.

خداوند از دعای حذّه مادر مریم و همسر عمران چنین یاد می کند: او گفت:
 رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ (1)

بارالها، من فرزندی که در شکم دارم نذر کردم برای تو آزاد باشد، از من بپذیر، به درستی که تو شنوا و دانایی.

در آیه دیگر می فرماید: خداوندش به نیکو قبولی از او پذیرفت. (2)

1 . آل عمران (3) آیه 35.2 . آل عمران (3) آیه 37.

دعای حواریون عیسی علیه السلام [70]
حضرت عیسی در میان بنی اسرائیل به پیامبری برانگیخته شد. بنی اسرائیل که مردمی بهانه گیر و لجوج بودند حضرت عیسی را می آزردهند. معجزاتی که عیسی علیه السلام در معرض دید آنان قرار می داد، آنان را بیدار نکرد و همچنان بر کفر خود اصرار می ورزیدند.
عیسی علیه السلام که بی خردی آنان را دید در میان مردم ندا داد: «چه کسانی مرا در راه خدا یاری می کنند؟»
حواریون گفتند: ما یاوران الهی هستیم، به خداوند ایمان آوردیم، و گواه باش که ما تسلیم اویم.
و سپس دست به دعا برداشتند و چنین دعا کردند:
رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَآتَّيَعْنَاكَ يَا رَبِّ سُدُّوا لَنَا الْبَابَ وَابْعَثْنَا رَسُولًا مَعَنَا مَعِ الشَّاهِدِينَ؛ (1)
بارالها، به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم، و پیامبرت را پیروی کردیم، پس ما را از گواهان قرارده.
1 . آل عمران (3) آیه 53.

دعای حضرت عیسی علیه السلام [71]

در دعای پیشین گفتیم وقتی که عیسی علیه السلام کفر و لجاجت بنی اسرائیل را دید از میان مردم یاورانی طلبید. حواریون اعلام کردند: مایاوران الهی هستیم و تو را در برابر کافران یاری می دهیم. اما اینان نیز به راحتی عیسی را همراهی نمی کردند، بلکه سخنان و خواسته های ناروایی داشتند. یکی از خواسته های آنان مائده آسمانی بود. عیسی به آنان گفت: «اگر به راستی ایمان آورنده اید از خدا پروا کنید و بهانه جویی نکنید.» آنان گفتند: ما می خواهیم از مائده آسمانی بخوریم تا قلب ما به پیام و پیامبری تو اطمینان یابد و بدانیم تو با ما صادقانه سخن می گویی. در این هنگام عیسی علیه السلام دست به دعا برداشت و چنین گفت:

اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَنَّ لَنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَآرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ (1)

بارالها، پروردگارا! بر ما مائده آسمانی فرو فرست تا برای اول و آخر ما عید شود، و نشانه ای از تو باشد، و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی.

[72]

خداوند در پاسخ فرمود: «من آن را بر شما فرو می فرستم، هر کدام از شما، پس از این معجزه باز هم کفر ورزد او را به گونه ای عذاب کنم که هیچ کس از جهانیان را بدان گونه عذاب نکنم.»

1 . مائده (5) آیه 114.

دعای مجاهدانی که در رکاب پیامبران جهاد کردند [73]
 خداوند متعال وقتی می خواهد مؤمنان مجاهد را قوت قلب دهد و راه و رسم صحیح جهاد را به آنان آموزد و توکل و تعبد را در آنان زنده کند و شیوه پایداری و صبر و ثبات را برای آنان ترسیم کند و طریقه دعا و نیایش مردان جهاد و شهادت را بازگو کند می فرماید: «چه بسیار پیامبرانی که توده های انبوه همراه آنان با دشمنان پیکار کردند و به خاطر رنج و مصیبتی که در راه خدا دیدند سست نشدند و به ضعف نگراییدند و در برابر دشمن تسلیم نشدند، و خداوند صابران را دوست می دارد.» خواسته و دعایشان تنها این بود:

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
 الْكَافِرِينَ؛ (1)

پروردگارا، گناهان و کوتاهی و تندروی ما را در کار خود بیامرز، و گام های ما را ثابت دار، و ما را بر کفار پیروز فرما.

خداوند در پاسخ، پاداش دنیایی که پیروزی و سربلندی آنهاست و پاداش نیکوی آخرت را که بهشت و مقام قرب خداست به ایشان عطا فرمود.

[74]

در زمان ما هر گاه جنگی بین مسلمین و کفار در گیرد و نیز، در نبرد دائمی فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، میان اهل ایمان و پیروان شرک و شیطان در هر نقطه جهان؛ به منظور پیمودن مسیر صحیح و صبر و پایداری و طلب هدایت و پیروزی از خداوند، شایسته است این دعا را زیاد بخوانیم.

1 . آل عمران (3) آیه 147.

دعای صاحبان باغ سوخته [75]

در زمان های دور، در سرزمین یمن مرد با ایمانی زندگی می کرد. او باغ و بستان بزرگ و آبادی داشت و به هنگام برداشت محصول، فقیران و تهی دستان به باغ او می آمدند و بهره می بردند. وقتی که پدر از جهان رخت بر بست پسران مالک باغ شدند و تصمیم گرفتند از میوه و ثمره باغ به مستمندان چیزی ندهند. زمان برداشت محصول فرارسید، آنان با خود گفتند: فردا صبح بی سر و صدا به باغ می رویم و به سرعت محصول را جمع می کنیم و تا تهی دستان از شروع برداشت محصول بی خبر هستند ما کار را تمام کرده و آن را به خانه و انبار می آوریم. آنان بدون آن که توجه کنند که نعمت ها همه از خداست و خداوند در محصول آنان برای فقرا سهمی قرار داده است، با این تصمیم، شب خوابیدند تا پگاه به باغ روند. همان شب آتش الهی، باغ را سوزاند به گونه ای که صبحگاهان وقتی که آنان به باغ رسیدند با خود گفتند: اشتباه آمديم، این باغ ما نیست. برادر عاقل تر گفت: مگر به شما نگفتم تسبیح الهی گوید و به یاد خداوند باشید و جانب حق را پاس دارید! آنان از غفلت به در آمدند و هشیار شدند و به اشتباه خود پی بردند

[76]

وگفتند:

سُدِّحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ؛ (1)

منزه است پروردگار ما، همانا ما ستمکارانیم.

آنان یکدیگر را ملامت کردند و به گناه خود اقرار و اعتراف کردند و تصمیم گرفتند راه راست و درست، و روش پدر خردمند خود را در پیش گیرند و گفتند:

عَسَى رَبَّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ؛ (2)

امیدواریم پروردگار ما بهتر از آن باغ به ما دهد، ما به سوی پروردگار خود رو می کنیم.

1 . قلم (68) آیه 29.2 . قلم (68) آیه 32.

دعاهایی که خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آموزش داد [77]

1. در سوره زمر، خداوند متعال به پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آموزش های متعددی می دهد. یکی از آن تعلیمات این دعاست که ای محمد بگو:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (1)

ای پروردگار آفریننده آسمان ها و زمین، دانای پنهان و پیدا، تو حکم می کنی بین بندگان در آنچه که در آن اختلاف کنند.

2. دشمنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم افراد عنود و لجوجی بودند و هر روز برای گریز از پیام حق و گمراه کردن مردم، نغمه ای ساز می کردند. اما در برابر هر سخن و بهانه ای، جواب شایسته ای از پیامبر دریافت می کردند. و چه بسا پیامبر در انتظار می ماند تا از سوی خداوند جواب مناسبی صادر شود، تا هم به دشمنان پاسخ دهد و هم بر عزم و اراده آن جناب بیفزاید. در پایان سوره انبیاء ضمن جواب به منکران توحید،

[78]

خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آموزش می دهد که این گونه بگو:

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُونَ (2)

پروردگارم، به حق داوری کن، و پروردگار ما بخشنده ای است که از او یاری جویند بر آنچه شما (از دروغ و باطل) گویند.

3. خداوند متعال به پیامبر گرامی اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم این گونه تعلیم و آموزش می دهد که بگو:

رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (3)

خداوندا! بیامرز، و رحم کن، تو بهترین رحم کنندگانی.

گرچه در این آیه نفرمود چه کسی را بیامرز و به چه کسی رحم کن، اما به کمک آیات و ادله دیگر درمی یابیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای خود و برای همه مسلمانان از حق تعالی آمرزش و رحمت طلب می کند. و چون رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم الگوی همگان است، ما هم به آن جناب اقتدا می کنیم و می گوئیم: «رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.»

4. خداوند بزرگ به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم دستور می دهد که برای قرائت آن بخش از قرآن که در حال وحی بر آن حضرت است پیش از پایان یافتن وحی، شتاب نکند. به آن حضرت فرمان می دهد که بگو:

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (4) پروردگارا، دانش مرا بیشتر فرما.

[79]

با توجه به این نکته که پیامبر ما داناترین آفریدگان خداست در عین حال حق تعالی به او چنین دستوری می دهد، بر ما که از علم و دانش ذره ای بیش نداریم ضروری تر و لازم تر است که این دعا را تکرار و از خداوند حکیم دانش فراوان طلب کنیم.

پیامبر ما فرمود: «هر گاه روزی بر من بگذرد که در آن بر دانشم نیفزایم، طلوع خورشید در چنین روزی بر من مبارک مباد.» (5)

5. ما مسلمانان و پیرو قرآنیم. قرآن کریم با «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و سپس با «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آغاز می شود.

پیامبر اسلام فرموده است: هر کار با نام خدا و حمد الهی آغاز نشود پایان خوش و کاملی ندارد. در سوره اسراء خداوند دعایی را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم تعلیم می دهد که هر وقت بر کاری تصمیم گرفتی برای موفقیت در آن این طور دعا کن:

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا؛ (6)

بارالها، مرا با صدق و استواری داخل کن، و با صدق و درستی بیرون آر، و برای من از جانب خود تسلطی یاری بخش قرار ده.

این دعای قرآنی در آغاز هر کار، شایسته و مناسب است تا شروع و پایان آن به درستی و استواری باشد و در هنگامه کار یاری الهی

[80]

همراهی کند. در تاریخ آمده است: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم هنگام فتح مکه این دعا را خواندند.

و از امام علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر گاه در شرایط ترسناک قرار گرفتی این آیه را بخوان.» (7)

6. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «نه من و نه هیچ پیامبری پیش از من، پیامی به عظمت و سنگینی توحید نیاورده اند.»

چون پیام توحید بزرگ و عظیم بود، بیشترین فرصت های تبلیغی پیامبران را به خود اختصاص داد، پیامبر ما هم برای معرفی توحید، گفت و گوهای بسیار با مردم داشت. آیات و نشانه های خداوند را برای مردم باز می گفت و از آنان می خواست به تأمل و دقت نشینند. در آغاز سوره شورا، خداوند مواد لازم را برای این گفت و گوها به پیامبرش می آموزد و در ضمن به او تعلیم می دهد تا بگوید:

اللّٰهُ رَبِّيْ عَلَيَّ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ اُنِيْبُ؛ (8)

الله پروردگار من است، بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم.

7. یکی از آموزش های الهی و قرآنی حمد و سپاس الهی است، و دیگری یاد نیک و شایسته از برگزیدگان وادی توحید، یعنی پیامبران و اولیای الهی که راهنمایان بشر به سوی تقوا و پاکی و عدالت و توحید بودند. آنانی که خداوندشان برگزید تا مشعل هدایت دیگران به سوی

[81]

خدا و آخرت باشند. خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمان می دهد که بگو:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَوَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى؛ (9)

تمام حمد و سپاس برای خداست، و سلام بر بندگان، آنان که برگزید.

8. مهم ترین پیام پیامبران الهی، توحید و خدا پرستی بوده است. پیامبر ما هم به سان دیگر پیامبران پایه و شالوده دعوتش یکتا پرستی بود و سعی می کرد تصویر درستی از توحید ذات و صفات و افعال به بشر ارائه دهد، و به دور از خرافات و پندارها، توحید ناب و خالص را تبیین کند. در قرآن کریم آیاتی که مربوط به توحید است از آیات دیگر بیشتر است. هر بار که مردم نادان برای کجروی خود بهانه ای می تراشند و بر پایه اندیشه های جاهلی، اعتراض می کنند پیامبر با صبر و سعه صدر به آنان پاسخ سنجیده می دهد. یک بار پس از پاسخ به آنان به فرمان الهی چنین می گوید:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ وَاَدًا وَاَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَاَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ وَاٰلِى مِنَ الدَّلٰلِ وَكَبَّرَ هُ تَكْبِيْرًا؛ (10)

حمد و سپاس خدایی راست که فرزندی نگرفته و در حکومت شریکی برای او نیست، و هم پیمانی برای یاری او در مشکلات نیست (چرا که احتیاج ندارد) و بزرگ دار او را برترین بزرگ داشتن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آیه عزّت را بسیار بخوانید.» پرسیدند:

[82]

آیه عزت کدام است؟ فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا...»

9. پیامبر ما در راه ابلاغ پیام الهی، از ناکسان آزار بسیار دید. و هر گاه که فشار روحی و روانی و تبلیغاتی دشمن اوج می گرفت، خداوند پیامبرش را دل داری و روحیه می داد.

در صلح حدیبیه به هنگام نوشتن صلحنامه، یکبار به گاه نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز صلحنامه، و بار دیگر به وقت نوشتن کلمه «رسول الله» در پی نام آن حضرت، قریشیان اعتراض کردند و نتیجه آن شد که به جای بسم الله الرحمن الرحیم، باسمک اللهم بنویسند، همان طور که در جاهلیت می نوشتند، و لقب «رسول الله» را هم از پی نام آن حضرت حذف کنند. از آن جا که این دشمنی و عناد آنان روحیه پیامبر را می آزرده خداوند برای حمایت و دلداری به آن حضرت فرمود بگو:

هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ؛ (11)

او پروردگار من است، به جز او خدایی نیست، بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم.

10. یکی از تعلیمات خدا به پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم این است که بگو:

إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (12)

به درستی که نماز من، عبادات من، زندگی من و مرگ من برای خداوند است که پروردگار جهان هاست.

[83]

11. پیامبر ما از منافقان رنج بسیار دید؛ آنان که به زبان تظاهر به اسلام می کردند و در دل اعتقاد به آن نداشتند بلکه در پی کارشکنی و شیطنت و عیب جویی بودند. خداوند هم از درون و شیوه آنان، پیامبرش را آگاه می کرد. به همین سبب در جای جای قرآن کریم از منافقان و کج رفتاری آنان یاد می شود. آنان که می دیدند از گفت و گوها و محفل آنان، پیامبر خبردار می شود، به جای اصلاح کار و برنامه خود و آمدن به راه راست، شیوه خود را عوض کردند و این بار با زبان ایما و اشاره پیام های خود را به یکدیگر می رساندند. این بار هم خداوند پیامبرش را از روش آنان آگاه ساخت و ضمن تجلیل از آن حضرت به وی فرمود: در برخورد با چنین مشکلات بگو:

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ (13)

خداوند مرا بس است، به جز او خدایی نیست، بر او توکل کردم، او که صاحب عرش عظیم است.

پیامبر گرامی فرمود: «هر کس صبح و شب هفت بار این دعا را بخواند خداوند کارهای مهمش را کفایت کند.» (14)

عبدالله بن عباس گوید: «این دعای ابراهیم علیه السلام بود هنگامی که او را در آتش افکندند، و دعای حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم هنگامی که دشمنان علیه آن حضرت گرد آمدند.» (15)

[84]

12 . در قرآن کریم گاهی ملاحظه می شود دعاهایی را خداوند به پیامبرش یاد می دهد. گرچه در این نوع جملات طرف خطاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم است، اما از آن جا که پیامبر برای همگان اسوه و الگوست، پیداست که این گونه خطاب ها شامل حال دیگران نیز می شود.

یکی از آموزش های خدای متعال به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم این دعاست:
 قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *
 تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمَاتِ وَتُخْرِجُ الْمَمَاتَ مِنَ الْحَيَّاتِ بِرِزْقٍ مِّنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (16)

ای محمد، بگو بارالها، صاحب حقیقی حکومت تویی، به هر که خواهی حکومت دهی و از هر که خواهی باز ستانی، هر که خواهی عزیز و گرامی داری و هر که را خواهی ذلیل و پست گردانی، تمام خیرات به دست تو است، به درستی که تو بر هر چیز توانایی. شب را در روز فرومی بری و روز را در شب فرومی بری، زنده را از مرده برآوری و مرده را از زنده خارج سازی، و هر که را خواهی بی شمار روزی می دهی.

1 . زمر (39) آیه 46.2 . انبیاء (21) آیه 112.3 . مؤمنون (23) آیه 118.4 . طه (20) آیه 114.5 . تفسیر صافی، ج3، ص322.6 . اسراء (17) آیه 80.7 . تفسیر صافی، ج3، ص212.8 . شوری (42) آیه 10.9 . نمل (27) آیه 59.10 . اسراء (17) آیه 111.11 . رعد (13) آیه 30.12 . انعام (6) آیه 162.13 . توبه (9) آیه 129.14 . لکل دعاء فی القرآن قصة وإجابة، ص 69.15 همان 16 . آل عمران (3) آیات 26 27.

دو حدیث

1 . پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «اسم اعظم که هر گاه به آن دعا کنند

[85]

مستجاب شود عبارت است از: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ...بغیر حساب.» (1)

2 . معاذ بن جبل گوید: روز جمعه ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم باز ماندم و نتوانستم نماز جمعه را با آن حضرت به جا آورم. پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا دید پرسید:

«ای معاذ چه چیز تو را از نماز جمعه باز داشت؟» گفتم: ای رسول خدا! یوحنا یهودی چند وقیه طلا از من طلب دارد و در خانه ام ایستاده بود تا از خانه خارج شوم و طلبش را از من درخواست کند و من ندارم تا طلب او را بپردازم. به این سبب از خانه خارج نشدم.

حضرت فرمود: «ای معاذ، آیا دوست داری خدا قرض تو را ادا کند؟ گفتم: آری یا رسول الله . فرمود: «آیه قل اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ را تا بغیر حساب بخوان و سپس بگو: یا رحمان الدنيا والآخرة ورحیمهما تعطی منهما ما تشاء وتمنع منهما ما تشاء، اِقْضِ عَنِّي دَیْنِي. اگر به اندازه تمام زمین طلا بدهکار باشی خداوند ادا می کند.»

13 . خداوند متعال شیوه احتجاج و گفت و گو با کفار را به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آموزش می دهد و آن جناب آن شیوه را به کار می بندد و پس از آن که این گفت و گوها به ثمر نمی نشیند و آنها بر جهل و گمراهی خود اصرار می ورزند به آن حضرت تعلیم می دهد که دعا کند و بگوید:

رَبِّ إِمَّا تُرِيدُنِي مَا يُوعَدُونَ * رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ (2)
 پروردگارم، اگر اراده کرده ای آن عذابی را که به کفار وعده داده ای به من نشان دهی.
 پروردگارم، پس مرا در میان ستمگران قرارمده.
 1. نورالثقلین، ج3، ص324؛ الدر المنثور، ج2، ص25. مؤمنون (23) آیات 93 و94.

استعاذه [86]

استعاذه یعنی پناه بردن به خداوند متعال از فتنه انگیزان و شر آنها. در قرآن کریم بارها خداوند بزرگ حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را تعلیم می دهد که از وسوسه های شیاطین و پلیدان به خداوند پناه برد.

در دو سوره فصلت (1) و اعراف (2)، خداوند به پیامبرش می فرماید: «اگر شیطان تو را وسوسه کرد به خدا پناه بر، همانا او شنوا و داناست.» در سوره مؤمنون، به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم این گونه تعلیم می دهد که دعاکن و بگو:

رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِي؛ (3)
 پروردگارم، از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم. و پناه می برم به تو پروردگارم، از این که آنان نزد من حاضر شوند.

در دو سوره آخر قرآن کریم مؤمن و ذرین نام گرفته است که در آنها خداوند به پیامبر گرامی ما دستور می دهد که بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ *
 [87]

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ؛
 بگو پناه می برم به پروردگار سپیده صبح، از شر مخلوقات و از شر شب تار هنگامی که در آید و از شر جادوگرانی که در گره ها دمند. و از شر حسود آن گه که حسد ورزد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ؛

بگو پناه می جویم به پروردگار آدمیان، پادشاه آدمیان، معبود آدمیان، از بدی وسوسه کننده خناس؛ آن که در دل مردمان وسوسه کند که از جن و انسان است.
 1. فصلت (41) آیه 36.2. اعراف (7) آیه 200.3. مؤمنون (23) آیات 97 و98.

دعای مسیحیانی که مسلمان شدند [88] از آغاز ظهور اسلام، یهود و نصارا هر کدام به شیوه ای با اسلام برخورد می کردند. یهود از روی حسدورزی و کینه و دشمنی با اسلام و پیامبر و مسلمین، سر ناسازگاری و عناد داشتند و از هیچ زمینه ای برای ضربه به اسلام چشم پوشی نمی کردند. در مقابل، نصارا روشی منطقی و معقول، و برخوردهای مهرآمیز و دوستانه با اسلام و مسلمین داشتند. قرآن کریم از این دو برخورد متفاوت یاد می کند و بارها به نشانه قدرشناسی، از حق گرایان مسیحی تمجید می کند و از برخوردهای معقول و سنجیده آنان ستایش می کند. گروهی از آنان که از زُهَّاد و عُبَّاد و دانشمندان مسیحی بودند وقتی که با قرآن و پیام آن آشنا شدند و آن را حق یافتند مسلمان شدند و از شادمانی گریستند و چنین گفتند:

رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛ (1)

بارالها، ایمان آوردیم، ما را هم در زمره گواهان (و مسلمین) قرارده.

1 . مائده (5) آیه 83.

دعا برای پدر و مادر [89]
پدر و مادر حقوق بسیاری بر فرزندان دارند. خداوند کریم در چند جای قرآن، فرزندان را بر ادای حق پدر و مادر سفارش کرده است.
در سوره اسراء می فرماید: «پروردگارت حکم کرد که به جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در نزد تو به سنّ پیری رسیدند به آنان اف نگو و تندی مکن و با آنان به ملایمت و نرمی سخن گو، در برابر آنان تواضع و مهربانی پیشه کن و برای آنان دعا کن و بگو:

رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ (1)

بارالها، آن دو را رحمت کن چنان که مرا در کودکی پروراندند.»
1 . اسراء (17) آیه 24.

دعای آنان که به سلطه ستمگران گرفتارند[90]

یک وظیفه اساسی و همیشگی مؤمنان این است که در راه خدا پیکارکنند و برای نجات مستضعفان، از چنگال حکومت کفر و ظلم تلاش کنند. چرا که ستمگران و زورگویان برای آنان قدرتی باقی نگذاشته اند تا بتوانند از خود دفاع کنند. به همین جهت دست به دعا بر می دارند و می گویند:

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ (1)

بارالها، ما را از این سرزمین ستمگران بیرون بر، خود برای ما سرپرستی قرارده، و برای ما یاری کننده و پشتیبان بفرست.

1 . نساء (4) آیه 75.

تعلیم دعا به مسلمانان [91]

در نبرد حُنَین، غنیمت بسیاری به چنگ مسلمانان افتاد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم به هنگام تقسیم غنایم، به تازه مسلمانان مکه سهم بیشتری دادند تا در مسلمانی دلگرم و به اسلام خوشبین شوند. این کار پیامبر سبب گردید تا برای بیشتر مهاجر و انصار که از فلسفه کار حضرت بی خبر بودند سؤال ایجاد شود و در این میان، منافقان فرصت یافتند تا زبان اعتراض بکشایند و به بدگویی از پیامبر پردازند.

پیامبر، علّت کار خود را شرح دادند و مؤمنان بدان راضی شدند. خداوند می فرماید: شایسته بود به آنچه خدا و پیامبرش به آنان دادند راضی و خوشنود باشند و بگویند:

حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّ إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ؛ (1)

خداوند ما را بس است، به زودی خداوند از فضلش، و پیامبرش به ما می دهند، ما به سوی پروردگار رغبت و میل داریم.

1 . توبه (9) آیه 59 .

دعا به هنگام سوارشدن بر مرکب و در برابر هر نعمتی [92]

یکی از شیوه های قرآن برای آشناکردن مردم با خدا، بر شمردن نعمت های الهی است. قرآن می کوشد وجدان های خفته را بیدار کند و مردم گریزپای را با خدایشان انس و آشتی دهد. در سوره زُخرف می فرماید: «خداوند برای شما کشتی و چار پایان آفرید تا بر آن سوار شوید و آن گاه که بر آن قرار یافتید به یاد نعمت پروردگارتان باشید و بگویید:

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. (1)

منزه است خدایی که این مرکب را برای ما مسخّر ساخت، و گرنه ما توان آن را نداشتیم، وما به سوی پروردگاران باز می گردیم.»

امام علی علیه السلام فرماید: «هر گاه بر مرکب سوار شدید یاد خدا کنید و بگویید: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ.» (2)

[93]

امام رضا علیه السلام فرماید: «شکر الهی آن است که هرگاه خداوند بر بنده اش نعمت داد بگوید: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ.» (3)

1 . زخرف (43) آیات 13 و 14. نورالثقلین، ج4، ص593 594. 3. همان .

دعای ملائکه مقرب برای مؤمنان [94]

حاملان عرش الهی و کرّوبیان که فرشتگان عالی رتبه و مقرب الهی هستند، همیشه تسبیح و حمد پروردگار کنند و بر ایمانشان افزوده شود و از برای مؤمنان طلب آمرزش کنند و گویند:

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَّحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ (1)

بارالها، رحمت و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس بیامرزش کسانی را که توبه کردند و راه تو را پیمودند، و آنان را از آتش جهنم بازدار. بارالها، آنان و نیکان از پدران و همسران و فرزندانیشان را به بهشت عدن که به آنان وعده دادی داخل فرما، همانا تو عزیز و حکیمی. و آنان را از بدی ها و عذاب دوردار؛ چرا که هر که را تو از بدی در روز قیامت حفظ فرمایی به او رحم کرده ای، و همین رستگاری بزرگ است.

شایسته است ما هم با ملائکه مقرب هم‌نوا شویم و این دعا را بخوانیم، چرا که هم دعا برای خود و هم برای جمیع مؤمنان است.

1 . غافر (40) آیات 7 9.

تقدیس الهی از زبان ملائکه [95]

در روز قیامت، خداوند نابکاران و مشرکان را محشور فرماید و سپس به فرشتگان گوید: آیا اینها (مشرکان) شما را بندگی می کردند و شما را می پرستیدند؟
فرشتگان در پاسخ گویند:

سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَآلِینَا مِنْ دُونِهِمْ؛ (1)

ای خدا تو منزّهی از هر عیب، تو ولی و همراه مایی نه آنان، بلکه آنان جنّ را پرستش می کردند و بیشترشان به آن ایمان داشتند.

1 . سبأ (34) آیه 41.

پند دوست [96]

دو مرد بایکدیگر دوست بودند؛ یکی خدا پرست فقیر و دیگری ثروتمند بی ایمان. ثروتمند بی ایمان به ثروت خود می بالید و به دوستش می گفت: من ثروت و افرادم بیش از تو است. و هرگاه در دو باغ وسیع و پر محصولش وارد می شد، می گفت: گمان ندارم این همه نعمت تمام شود و قیامتی در کار باشد. دوست خداشناس به او پند داد و گفت: آیا به خدایی که تو را آفرید کفر می ورزی؟ اما من معتقدم که اللّٰه خدای من است و شریکی برای او قرار نمی دهم، چرا نعمت دهنده را نمی شناسی و هرگاه به باغت داخل می شوی یاد خدا نمی کنی و به نشانه شکر گزاری نمی گویی:

ما شاءَ اللّٰهَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهَ؛ (1)

آنچه خدا خواهد (همان می شود) قوت و قدرتی نیست مگر از جانب خدا. پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر گاه خداوند به بنده اش نعمت مال و زن و فرزند عنایت فرمود و او گفت: ما شاءَ اللّٰهَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهَ آفتی به جز مرگ نبیند.» (2)

[97]

امام صادق علیه السلام فرمود: «عجب دارم از کسی که نعمت های دنیایی می خواهد و نمی گوید: ما شاءَ اللّٰهَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهَ ، چرا که پس از این جمله خداوند از زبان آن مرد خداشناس می گوید: اگر من از تو کمتر ثروت و فرزند دارم امیدوارم خداوند بهتر از باغ تو به من دهد، و این امید حتماً محقق می شود.» (3)

1 . کهف (18) آیه 39.2 . الوابل الطیب، ص 111.3 . خصال، ص 218.

دعای عاقلان [98]

خداوند متعال در کتابش بارها از «اولوالالباب» مدح و تعریف می کند. الباب جمع لبّ یعنی مغز و اولوالالباب یعنی صاحبان مغز.

گویا دیگران پوسته ای از زندگی، و مقصود و مغز حیات و آفرینش، اولوالباب هستند. اولوالباب یعنی کسانی که اهل فکر و اندیشه و عقل و بینش هستند و هدف از آفرینش و هستی را خواب و خوراک نمی دانند. چنین کسانی در هر شرایطی که باشند به هنگام کار و فراغت و استراحت به یاد خدا هستند و ذکر او را به لب دارند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و چنین با خدا می گویند:

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُدِّحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِّنْ أَنْصَارٍ * رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ: (1)

بارالها، این جهان را باطل و بیهوده نیافریدی، منزه‌هی از عیب، ما را از آتش جهنّم بازدار. بارالها، هر که را تو داخل جهنّم کنی او را رسوا

[99]

ساخته ای، و برای ستمگران در برابر تو یآوری نیست.

بارالها، ما شنیدیم منادیی را که ندای ایمان سر می دهد به پروردگارتان ایمان آورید، پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا، پس بیمارز گناهان ما را، و بدی های ما را پاک فرما، و ما را بانیکان بمیران.

بارالها، آنچه را به پیامبران وعده دادی به ما مرحمت فرما، و ما را در روز قیامت رسوا مساز، همانا تو خلف وعده نمی کنی.

همان طور که ملاحظه می شود این دعا عمومی است و اختصاص به شخص خاصی ندارد. وقتی از صمیم دل این دعا خوانده شود استجاب آن حتمی است، زیرا خداوند در آیه بعد می فرماید: «فاستجاب لهم ربهم».

امام علی علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شب ها آن گاه که از خواب برمی خاست مسواک می زد، سپس به آسمان نگاه می کرد و این آیات را می خواند:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (2).

1. آل عمران (3) آیات 191، 194.2 . مجمع البیان، ج 2، ص 298.

دعای بندگان با کمال الهی [100]

ماگمان می کنیم طلب مغفرت و آمرزش از خداوند بزرگ، مخصوص کسانی است که کارهای زشت و ناپسند انجام می دهند و در پی گناه و فسق و فجور هستند، اما آنان که سر در فرمان حق دارند برایشان تقاضای آمرزش و عفو معنا ندارد. این پندار نادرست است، زیرا استغفار و طلب آمرزش پیامبران را در جای جای قرآن کریم مشاهده می کنیم و تقاضای عفو و بخشایش ائمه اطهار علیهم السلام در احادیث و دعاها و مناجات ها بیش از موضوعات دیگر می بینیم. خداوند متعال در آیه 15 و 16 سوره آل عمران می فرماید: آنها که اهل صبر و راستی و عبادت و انفاق و استغفار سحری هستند این گونه دعا می کنند:

رَبَّنَا إِنَّنَا أَمَدَّا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ (1)

بارالها، ما ایمان آوردیم، گناهان ما را بیامرز و از عذاب آتش ما را نگه دار.

1 . آل عمران (3) آیه 16.

دعای همیشگی مؤمنان [101]

سوره حمد، خلاصه و چکیده قرآن کریم است. در عظمت آن همین بس که کتاب خدا با آن سوره آغاز می شود و روزانه دست کم ده نوبت آن را در نماز قرائت می کنیم و هیچ نمازی بدون آن صحیح نیست. نیمی از سوره حمد، ثنا و سپاس و ستایش خداوند متعال است و نیمه دیگر آن خواسته بنده است از مولا و پروردگارش.

ما سوره حمد را در نماز به نیت آن که قرآن است می خوانیم نه به عنوان دعا، اما این منافاتی ندارد با این که در بخشی از آن خداوند دعا را به ما تعلیم کند. در این سوره می خوانیم:

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ؛ (1)

بارالها، ما را به راه راست هدایت فرما. راه کسانی که بر آنها نعمت دادی نه راه کسانی که گرفتار غضب و عذاب تو شدند و نه راه گمراهان.

1 . حمد (1) آیات 6 و 7.

دعا برای دنیا و آخرت [102]

خداوند متعال در قرآن کریم از دو گروه دعا کننده یاد می کند:
یک گروه آنان که چشم به دنیا دوختند و به جهان آخرت بی اعتنا هستند. آنها در مقام دعا هم از خداوند فقط دنیا را می خواهند و می گویند: خداوندا، آنچه می خواهی به ما بدهی در دنیا بده. چنین کسانی در آخرت بی بهره اند.
گروه دوم کسانی هستند که هم نظر به دنیای خود دارند وهم اعتقاد به آخرت، اینان این گونه دعا می کنند:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ (1)
بارالها، در دنیا به ما حسنه بده، و در آخرت نیز حسنه بده و ما را از آتش جهنم دور دار.
1 . بقره (2) آیه 201.

دعای همیشگی مؤمنانچند روایت
 عبدالاعلی گوید: درباره این آیه از حضرت صادق علیه السلام تفسیر و توضیحی خواستم،
 حضرت فرمود: «مقصود رضوان الهی و بهشت در آخرت، و وسعت در زندگی و معاش و خوش
 خلقی در دنیا است.»(1)

[103]

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مقصود در این آیه، همسر شایسته در دنیا، و بهشت
 در آخرت است.»(2)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «کسی که دلی شکرگزار، و زبانی در
 کار ذکر خدا، و همسر مؤمنی که او را در امور دنیا و آخرتش یاری رساند داشته باشد، خداوند
 در دنیا و آخرت به او حسنه داده و از عذاب آتش او را ننگه داشته است.»(3)

در حدیث آمده است: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به عیادت مرد مسلمانی رفتند
 که از بیماری رنج می برد. حضرت به او فرمود: آیا دعا کردی و چیزی از او خواستی؟ بیمار گفت:
 آری، این گونه با خدا سخن می گویم: بارالها، اگر مرا در آخرت می خواهی عذاب کنی، آن را در
 این دنیا برایم قرارده.

حضرت فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ ! توطاقت چنین عذابی نداری، چرا نگفتی: رَبَّنَا آتِنَا فِي
 الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»
 آن بیمار این گونه دعا کرد و خداوند شفایش داد.»(4)

1. تفسیرالبرهان، ج1، ص203.2. مجمع البیان، ج2، ص298.3. همان 4. تفسیر ابن کثیر، ج1،
 ص433؛ تفسیر ابوالفتوح، ج2، ص134.

دعای مؤمنان راستین [104]

خداوند متعال گهگاه در قرآن کریم از وضعیت روحی و روانی مسلمانان در آغاز اسلام یاد می فرماید و در حقیقت به مسلمانان در تمام زمان ها و مکان ها، آموزش می دهد که این گونه باشید. یکی از آن موارد دو آیه آخر سوره بقره است.

می فرماید: «پیامبر به آنچه بر او نازل شده از جانب خداوند ایمان آورد و نیز مؤمنان، همه ایمان آوردند به خدا و فرشتگان او و کتب آسمانی و پیامبران الهی و گویند:

ما بین هیچ یک از پیامبران الهی فرق نمی گذاریم، و گفتند:

سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يَكْلَافُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: (1)

بارالها، شنیدیم و اطاعت کردیم آموزش تو را، و باز گشت به سوی تو است. خداوند به هر کس به اندازه توانش تکلیف می کند، آنچه از

[105]

نیکی کسب کند برای اوست و هر آن چه از بدی به دست آورد بر ضدّ اوست. بارالها، اگر فراموش یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مفرما، و بردوش ما بارگران مگذار آن چنانکه برامت های پیشین نهادی. بارالها، ما را بر کاری که طاقت آن را نداریم وادار مفرما، و از ما در گذر و ما را بیامرز و به ما رحم کن، تو مولای مایی، پس ما را بر قوم کافر پیروز فرما. 1 . بقره (2) آیات 285 و 286.

چند روایت

1 . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم : «پس از این دعا، خداوند فرموده است: انجام می دهم و اجابت می کنم. به همین جهت مستحب است که این دو آیه زیاد خوانده شود.» (1)

2 . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم : «آیات آخر سوره بقره هم قرآن است و هم دعاست (بخوانید که) موجب رضایت خداوند می شود.» (2)

3 . ابن عباس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم ناگهانی صدایی شنید، سربلند کرد دید دری از آسمان گشوده شده، سپس فرشته ای بر آن حضرت نازل شد و گفت: «خداوند بشارت به دو نور به تو می دهد که به هیچ پیامبری پیش از تو داده نشده است. آن دو، سوره حمد و آیات آخر سوره بقره است، هیچ کس نخواند مگر آن که حاجتش را رواکنم.» (3)

در روایاتی آمده است که این دو آیه گفت و گوی خدا و رسول در معراج بوده است.

[106]

4 . رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «این دو آیه از گنج های بهشتی است که خداوند رحمان آن را به قدرت خود دو هزار سال پیش از آفرینش مخلوقات نگاشت. هر کس آن را شب (به وقت خواب) بخواند از عبادت شب او را کفایت کند.» (4)

1- مجمع البیان، ج2، ص404.2- همان 3- همان 4 . تفسیر صافی، ج1، ص241؛ تفسیر ابوالفتوح،

دعای دانشمندان بلندپایه [107]

میزان سنجش اعمال در نزد خداوند، معرفتی است که بر پایه آن، عمل انجام می شود. اگر چند نفر یک عمل مشابه را انجام دهند مثلاً دو رکعت نماز بگزارند یا کارهای شایسته دیگر انجام دهند، پاداش آنان به میزان معرفتشان به خداوند بزرگ بستگی دارد که اساس و پایه هر عبادت است.

کسانی که در معرفت الهی غور کرده، و از دریای محبت الهی جرعه ها نوشیده و در دانش الهی به مقام مکین رسیده اند و خداوند از آنان به «راسخون فی العلم» تعبیر می کند این گونه دعا می کنند:

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ * رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ: (1)

بارالها، پس از آن که ما را هدایت کردی دل ما را از حق بر مگردان و از نزد خود به ما رحمت ده، همانا تو بخشنده ای. پروردگارا، تو مردم را در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گرد می آوری، همانا خداوند در وعده گاهش تخلف نمی کند.

1 . آل عمران (3) آیات 98 .

چند روایت [108]

1 . امام صادق علیه السلام فرمود: «زیاد بگویند: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا... و از زیر و رو شدن دل ها خاطر جمع نباشید.» (1)

2 . پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم دعا می کرد: «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ، (ای زیر و رو کننده دل ها، قلب مرا بر دینت ثابت دار) ، سپس این آیه را می خواند: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.» (2)

3 . پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر کسی که آیه رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ را بخواند آنچه را گم کرده، خداوند به او برگرداند.» (3)

4 . امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود: «ای هشام، خداوند از مردمانی نیکوکار حکایت می کند که اینچنین گفتند: رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ چون دانستند که دل ها وسوسه شود و به گمراهی و پستی بر گردد.» (4)

1 . تفسیرالبرهان، ج1، ص272؛ صافی، ج1، ص248.2 . الدرالمنثور، ج2، ص13.3 . الدرالمنثور، ج2، ص15.4 . نور الثقلین، ج1، ص319.

دعای مؤمنان برای خود و مؤمنان دیگر [109]

حق تعالی در آیات آغازین سوره حشر از مهاجران و انصار تمجید می کند و در آیه دهم مدح و تعریف می کند از همه کسانی که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به دنیا می آیند و به جمع اهل ایمان می پیوندند و ذکر و دعای همیشگی آنان این است:

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِآئِ خَوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛ (1)

بارالها، ما و برادران و خواهران ما را که پیش از ما ایمان آوردند بیامرز، و در دل های ما نسبت به افرادی که ایمان آوردند کینه و دشمنی قرارنده؛ بارالها، تو مهربان و رحیمی.

چه زیباست که ما هم خود را جزء این جمع بدانیم و این دعا را زمزمه کنیم. چرا که هم طلب آمرزش برای خود و مؤمنان است، و هم طلب قلبی سالم از دشمنی و نظر سوء نسبت به مؤمنان است، و در پایان هم تمجید حق تعالی است.

1 . حشر (59) آیه 10.

دعای انسان در چهل سالگی [110]

در قرآن کریم بارها خداوند متعال به ادای حقّ پدر و مادر سفارش می کند. رنج هایی را که مادر در دوران بارداری و زایمان و شیر دادن و به سامان رساندن فرزند به جان خریده است گوشزد می فرماید، و تعلیم می دهد که آن گاه که به اوج توان و رشد رسید و به مرز چهل سالگی که دوران پختگی و کمال است قدم نهاد زبان حالش چه باشد؛ چرا که در این دوره، نه خامی و بی تجربگی سال های جوانی را دارد و نه ضعف و سستی دوران پیری را. در چنین شرایطی شایسته است بگوید:

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ (1)

بارالها، به من الهام فرما که شکر نعمت های تو را که به من و به پدر و مادرم عطا فرمودی ادا کنم، و کارهای شایسته که مورد پسند تو باشد انجام دهم، و فرزندان مرا از صالحان قرارده، من به در گاه تو توبه می کنم، و من از تسلیم شدگان در برابر توام.

1 . احقاف (46) آیه 15.

عباد الرحمن چگونه دعا می کنند؟ [111]

خداوند متعال در سوره فرقان، نشانه ها و اوصاف عباد الرحمن و بندگان شایسته را بیان می کند و در ضمن بیان اوصاف و حالات آنان، از دعای آنان این گونه یاد می فرماید: آنان می گویند: رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا؛ (1) بارالها، عذاب جهنم را از ما بگردان، چرا که عذاب جهنم دائمی است. و نیز می گویند:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْ لَنَا لِيْلْمُتَّ قَيِّمًا؛ (2) بارالها، از همسران و فرزندان، کسانی که مایه آرامش خاطر و روشنایی چشم ما باشند به ما ببخش، و ما را پیشوای متقین و تقوا پیشه گان قرارده. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، من از پروردگارم فرزند زیباروی و نیکو قامت نخواستم، بلکه فرزندی اهل اطاعت و خوف الهی خواستم که هرگاه به او نظر کردم و او را در حال اطاعت خداوند یافتم چشمم روشن شود.» (3)

1 . فرقان (25) آیه 65.2 . فرقان (25) آیه 74.3 . تفسیرصافی، ج4، ص27.

دعای بندگان مخلص خدا [112]

قرآن کریم گفت و گوی خداوند بزرگ با اهل جهنم و پاسخ آنان را بازگو می فرماید. خداوند به جهنمیان خطاب می کند و می گوید: گروهی از بندگان من دعا می کردند و مرا می خواندند، اما شما آنها را مسخره می کردید و به آنان پوزخند می زدید؛ دعای آنان این بود:

رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ؛ (1)

پروردگارا، ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را، و ما را مورد رحمت خود قرارده، تو بهترین رحم کنندگانی.

خداوند این دعا را به «عبادی» (بندگان ویژه من) ، نسبت می دهد و این دعا و دعا کنندگان را تأیید و تصدیق می کند و از آنان حمایت می کند.

1 . مؤمنون (23) آیه 109.

تقدیس الهی به وسیله دارندگان علم لدنی [113]
آنان که علم لدنی از خداوند متعال دریافت داشته اند آن گاه که آیات الهی بر آنان خوانده می
شود به نشانه تواضع و تسلیم در برابر حق تعالی، به سجده در می افتند و چنین می گویند:
سُبْحَانَ رَبِّنا إِنْ كَانْ وَعَدُّ رَبِّنا لَمْ يَغْضُوباً؛ (1)
منزه است پروردگار ما که وعده اش محقق می شود.
1 . اسراء (17) آیه 108.

دعای اصحاب اعراف [114]

اعراف جایگاهی است رفیع بین بهشت و جهنم، و بر آن مردانی نشسته اند و همه را از پیشانی شان می شناسند که کدام بهشتی و کدام جهنمی است. آنان بر نیکوکارانی که در انتظار ورود به بهشت هستند سلام می کنند. و آن گاه که به سوی اهل جهنم رو می کنند و

وضعیت آنان را مشاهده می کنند می گویند:

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ (1)

بارالها، ما را با ستمگران قرار مده.

1 . اعراف (7) آیه 47.

دعای مؤمنان در روز قیامت [115]

خداوند متعال در بیان حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مؤمنان در روز قیامت می فرماید: در روز قیامت خداوند، پیامبر و مؤمنین را رها و رسوا نمی کند و آبرو و موقعیت آنان را محفوظ می دارد. نور آنان که بر اثر ایمان راسخ و اعمال صالح به دست آورده اند به سان راهنمایی کامل پیشاپیش و همدوش، آنان را به سوی بهشت پیش می برد و آنان چنین گویند:
رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ (1)
بارالها، نور ما را تکمیل فرما و بر آن بیغزا، و مارا بیامرز، همانا تو بر هر کاری توانایی.
1 . تحریم (66) آیه 8 .

حمد و سپاس بهشتیان [116]

در روز قیامت تقوا پیشگان را به سوی بهشت برند. هنگامی که به بهشت رسند درهای بهشت گشوده شود و مأموران بهشت به آنان سلام و خوش آمد گویند. آنان به نشانه سپاس خداوند گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ
فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ (1)

سپاس خدایی راست که وعده اش را بر ما راست گرداند، و زمین را به ما ارث داد، هر جای بهشت خواهیم ماوا کنیم، چه خوب است پاداش نیکو کرداران.

و چون بهشت و نعمتهای فراوانی را که خداوند به آنان ارزانی داشته نظاره کنند گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ؛ (2)

تمام سپاس ویژه خدایی است که ما را به این جا هدایت فرمود، و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما به آن راه نمی یافتیم.

اهل بهشت که ایمان راستین و عمل شایسته را در این جهان

[117]

فراهم آورده اند و در بهشت از نعمت های الهی بهره مندند ورد زبانشان این است:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ؛ (3)

پروردگارا تو منزهی از هر عیب.

آنان به یکدیگر تحیت و سلام گویند. باز هم آخرین سخنشان این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (4)

تمام حمد مخصوص خدایی است که پروردگار جهان ها و عوالم هستی است.

1 . زمر (39) آیه 74.2 . اعراف (7) آیه 43.3 . یونس (10) آیه 10.4 . فاتحه (1) آیه 2؛ یونس (10) آیه 10.

دعای نیکوکاران در بهشت [118]

نیکو کاران در بهشت نیز حمد و ثنای خدا می کنند و نعمت های الهی را بر می شمارند. بنا به

گفته قرآن کریم آنان در بهشت چنین گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ

الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ؛ (1)

حمد برای خدایی است که اندوه را از ما ببرد، به درستی که پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار

است. او که از کرمش ما را در سرای جاوید جا داد که در آن نه رنج به ما رسد و نه خستگی و

سختی.

1 . فاطر (35) آیات 34 و 35.

فهرست موضوعی دعاهای قرآن [119]

برای آن که بدانیم چه موضوعاتی در دعاهای قرآنی مطرح و هر یک چند نوبت تکرار شده، این فهرست فراهم آمده است. در مقابل هر آیه، شماره صفحه همین کتاب که این دعا در آن جا آمده، نوشته شده است تا برای ترجمه و توضیح به آن جا مراجعه شود.

- 1 . آسان شدن کارهای سخت
یسر لیلی امری «طه» (20) آیه 26» ... 52
- 2 . آرزوی بهتر از آنچه از دست رفته
عسی ربنا ان یدلنا خیراً منھا اننا لالی ربنا راغبون «قلم» (68) آیه 32» ... 76
- 3 . امنیت مکه
رب اجعل هذا البلاد آمناً «ابراهیم» (14) آیه 35» ... 25
رب اجعل هذا بلاداً آمناً «بقره» (2) آیه 126» ... 26
- 4 . استعاذه
رب أعوذ بیک من همزات الشیاطین * و أعوذ بیک رب ان یحضرُون «مؤمنون» (23) آیات 97 و 98» ... 86

[120]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَاقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّٰثَاتِ فِی الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ «فلق» (113) ... 86

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلٰئِکَ النَّاسِ * اِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّٰسِ * الَّذِیْ یُوسِّسُ فِیْ صُدُوْرِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ «الناس» (114) ... 87

رب انزلی اعدو بیک ان اسئلک ما لیس لی یه علم «هود» (11) آیه 47» ... 19

- 5 . بانیکو کاران باشیم و باعاقبت خوش بمیریم
تو فنی مسلماً و آلحقیقی بالصالحین «یوسف» (12) آیه 101» ... 40
ربنا فرغ علینا صبراً و تو فنا مسلمین «اعراف» (7) آیه 126» ... 54
تو فنا مع الأبرار «آل عمران» (3) آیه 193» ... 98
و آلحقیقی بالصالحین «شعراء» (26) آیه 83» ... 20
و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین «نمل» (27) آیه 19» ... 33

6 . برای آغاز کارها

بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرِبِهَا وَ مَرْسِیْهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ «هود» (11) آیه 41» ... 18
رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً «اسراء» (17) آیه 80» ... 79

7 . پیروزی بر کافران

انبی مغلوب فانتصر «قمر» (54) آیه 10» ... 16
رب انصرنی بما کذبون «مؤمنون» (23) آیه 26» ... 17

[121]

رب انصرنی علی القوم المفسدین «عنکبوت» (29) آیه 30» ... 29
وانصرنا علی القوم الکافرین «بقره» (2) آیه 250؛ آل عمران (3) آیه 147» ... 31

- أَنْتَ مَوْلَانَا فَإِنْ صُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ «بقره (2) آیه 286» ... 104
- 8 . پیشوای متقین شویم
وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا «فرقان (25) آیه 74» ... 111
- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي «ابراهیم (14) آیه 40» ... 25
- 9 . تسبیح الهی
سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ
«زخرف (43) آیات 13 و 14» ... 92
- سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كُنَّا ظَالِمِينَ «قلم (68) آیه 29» ... 76
- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ «انبیاء (21) آیه 87» ... 41
- سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ «اعراف (7) آیه 143» ... 58
- سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيْنَا مِنْ دُونِهِمْ «سبأ (34) آیه 41» ... 95
- سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ «یونس (10) آیه 10» ... 117
- سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا «اسراء (17) آیه 108» ... 113
- كِي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا «طه (20) آیات 33 و 34» ... 52
- 10 . تقاضای داوری و یاری از خداوند
رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبَّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ «انبیاء (21) آیه 112» ... 78
- رَبِّ إِنْ قَوْمِي كَذَّبُونِ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
- [122]
- «شعراء (26) آیات 117 و 118» ... 14
- رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ «اعراف (7) آیه 89» ... 48
- رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ «مائده (5) آیه 25» ... 60
- 11 . توبه و طلب آمرزش
سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كُنَّا ظَالِمِينَ «قلم (68) آیه 29» ... 76
- رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ «اعراف (7) آیه 23» ... 13
- رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ «نوح (71) آیه 28» ... 16
- وَإِن لَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ «هود (11) آیه 47» ... 19
- وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ «ممتحنه (60) آیه 5» ... 22
- وَتُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ «بقره (2) آیه 128» ... 27
- رَبِّ اغْفِرْ لِي «ص (38) آیه 35» ... 32
- رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «نمل (27) آیه 44» ... 35
- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ «انبیاء (21) آیه 87» ... 41
- رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي «قصص (28) آیه 16» ... 49
- سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ «اعراف (7) آیه 143» ... 58

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَا خِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ «اعراف (7) آیه 151» ... 58
رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِيَّاكَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ
إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلَكِنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
وَأَنْتَ خَيْرُ

[123]

الغافرين «اعراف (7) آیه 155» ... 59
لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ «اعراف (7) آیه 149» ... 61
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا «آل عمران (3) آیه 147» ... 73
رَبَّنَا فَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا وَكُفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا «آل عمران (3) آیه 193» ... 98
رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ «آل عمران (3) آیه 16» ... 100
رَبَّنَا لَا تُوَخِّدْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَي
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ «بقره (2) آیه 286» ... 104
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالإِيمَانِ «حشر (59) آیه 10» ... 109
إِنِّي تَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ «احقاف (46) آیه 15» ... 110
رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ «مؤمنون (23) آیه 118» ... 78
رَبَّنَا آمْنَا فَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ «مؤمنون (23) آیه 109» ... 112
رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «تحریم (66) آیه 8» ...

115

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ «ابراهيم (14) آیه 41» ... 25
رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ
وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ «غافر (40) آیه 7» ... 94

12 . توکل

اللَّهُ رَبِّي عَلَيهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ «شورى (42) آیه 10» ... 80
رَبَّنَا عَلَّمَكِ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنُوبُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ «ممتحنه (60) آیه 4» ... 22
وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا «اعراف (7) آیه 89» ... 48
وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ «هود (11) آیه 88» ... 47
هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ «رعد (13) آیه 30» ... 82

[124]

حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ «توبه (9) آیه
59» ... 91

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ «توبه (9) آیه
129» ... 83

ما شاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ «كهف (18) آیه 39» ... 96

13 . تفويض

أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ «غافر (40) آیه 44» ... 57

14 . حمد الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنْ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ
الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ «فاطر (35) آیه آیات

34 و 35 «...» 118

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الظَّالِمِينَ «مؤمنون (23) آیه 28» ... 17
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ
الدَّعَاءِ «ابراهيم (14) آیه 39» ... 25

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «فاتحه (1) آیه 2؛ یونس (10) آیه 10» ... 117
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ
فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ «زمر (39) آیه 74» ... 116

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَيْنَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيْنَا اللَّهُ «اعراف (7) آیه
43» ... 116

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ «نمل (27) آیه 15» ... 34
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى «نمل (27) آیه 59» ... 81

[125]

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا «اسراء (17) آیه 111» ... 81

15 . دعا برای همسر

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا «فرقان
(25) آیه 74» ... 111

16 . دعا برای پدر و مادر

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ «نوح (71) آیه 28» ... 16
وَاعْفِرْ لِأَبِي إِذْ هُكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ «شعراء (26) آیه 86» ... 20
رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ «ابراهيم (14) آیه 41» ... 25
رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا «اسراء (17) آیه 24» ... 89

17 . دعا برای برادر

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ «اعراف (7) آیه
151» ... 58

18 . دعا برای فرزندان و نوادگان

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ «صافات (37) آیه 100» ... 24
رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ «هود (11) آیه
45» ... 19

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ «ابراهيم (14) آیه
35» ... 25

[126]

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ «بقره (2) آیه 128» ...
27

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا
لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ «ابراهيم (14) آیه 37» ... 25

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ «ابراهيم (14) آیه
40» ... 25

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ «بقره (2) آیه 129» ... 27
رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ «آل عمران (3) آیه 38» ... 67

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا «فرقان (25) آیه 74» ... 108
رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا * وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا «مریم (19) آیات 3 و 5» ... 66

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ «انبیاء (21) آیه 89» ... 67
وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي «احقاف (46) آیه 15» ... 110
19 . دعا برای مؤمنان

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَكَوَالِدِي وَلِإِمْرَأَتِي وَلِأَوْلَادِي الَّذِينَ آمَنُوا بِحَقِّ الدِّينِ بِمَا كَفَرُوا بِالْكَافِرِينَ وَلِأَوْلَادِي الَّذِينَ آمَنُوا بِالْكَافِرِينَ وَلِأَوْلَادِي الَّذِينَ آمَنُوا بِالْكَافِرِينَ «احقاف (46) آیه 15» ... 110
25

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ
[127]

وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ «غافر (40) آیات 9 و 7» ... 94
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِآلِئِنَّا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ «حشر (59) آیه 10» ... 109
20 . در بهشت متنعم بودن

رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ «تحریم (66) آیه 11» ... 62
وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ «شعراء (26) آیه 85» ... 20
رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ «آل عمران (3) آیه 194» ... 98
رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ «غافر (40) آیه 8» ... 94
21 . روزی اهل مکه

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ «بقره (2) آیه 126» ... 26
وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ «ابراهیم (14) آیه 37» ... 25
22 . زیاد شدن ثروت

ما شاء الله لا قوة إلا بالله «كهف (18) آیه 39» ... 96
23 . زیاد شدن نورانیت

رَبَّنَا أْتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا «تحریم (66) آیه 8» ... 115

[128]

- 24 . زیاد شدن علم و دانش
 رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا «طه (20) آیه 114» ... 78
 وَأَرْنَا مَنَاسِكَنا «بقره (2) آیه 128» ... 27
 25 . سربلندی و آبرومندی در روز قیامت
 وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ «شعراء (26) آیه 87» ... 21
 رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَمَلِي رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ
 «آل عمران (3) آیه 194» ... 98
 26 . شرح صدر
 رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي «طه (20) آیه 25» ... 52
 27 . صبر و ثبات قدم در مسیر حق
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ «بقره (2) آیه
 250» ... 31
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ «اعراف (7) آیه 126» ... 54
 رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا «آل عمران (3) آیه 8» ... 107
 رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ «بقره (2) آیه 128» ...
 27
 وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ «ابراهيم (14) آیه 35» ... 25
 28 . طلب صفای باطن نسبت به دیگران
 وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ «حشر (59) آیه
 109» ... 109

[129]

- 29 . طلب رحمت الهی و رشد
 رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا «كهف (18) آیه 10» ... 46
 رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ «اعراف (7) آیه
 151» ... 58
 وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ «آل عمران (3) آیه 8» ... 107
 رَبِّ اغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ «مؤمنون (23) آیه 118» ... 78
 رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ «مؤمنون (23) آیه 109» ... 112
 30 . طلب یاور و وزیر
 وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَرُونَ أَخِي * أَشَدُّ دُبْرَهُ أَزْرِي * وَأَشْدْرِكُهُ فِي
 أَمْرِي * كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا * إِنَّكَ كُنْتَ بَيْنَا وَبَيْنَهُمْ «طه (20) آیات
 29-35» ... 52
 31 . طلب توفیق بر شکر نعمتها و اعمال شایسته
 رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
 صَالِحًا تَرْضَاهُ «نمل (27) آیه 19» و «أحقاف (46) آیه 15» ... 33
 رَبِّ بِنَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ «قصص (28) آیه 17» ... 50
 وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ «هود (11) آیه 88» ... 47
 32 . طلب سلطنت بی نظیر

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ص
(38) آیه 35 «... 32
[130]

33 . طلب روزی

رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ «قصص (28) آیه 24» ... 51
اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَيِّ وَرَّ لَنَا وَآخِرًا وَآيَةً
مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ «مائده (5) آیه 114» ... 71
وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ «ابراهيم (14) آیه 37» ... 25
وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ «بقره (2) آیه
126» ... 26

34 . طلاق زبانه و سخن آوری

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي «طه (20) آیه 27 و 28» ... 52
35 . طلب حکم

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا «شعراء (26) آیه 83» ... 20

36 . طلب هدایت از خداوند و باز نگشتن به گمراهی

عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ «قصص (28) آیه 22» ... 50
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
وَلَا الضَّالِّينَ «حمد (1) آیه 6 و 7» ... 101
رَبَّنَا لَا تَزُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
«آل عمران (3) آیه 8» ... 107

37 . طلب نعمت الهی در دنیا و آخرت

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ «بقره (2) آیه
201» ... 102

[131]

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ «اعراف (7) آیه 156» ... 59

38 . فراهم آمدن منزل و مسکن مناسب

رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ «مؤمنون (23) آیه 29» ... 17

39 . گرداندن بلا، و شیکوه از گرفتاری

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ «انبیاء (21) آیه
83» ... 36

وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ «ص (38)
آیه 41» ... 37

رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ
إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ «يوسف (12) آیه 33» ... 38

40 . قبولی دعا

رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ «ابراهيم (14) آیه 40» ... 25

41 . قبولی اعمال

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ «بقره (2) آیه 127» ... 27
رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

العَلِيمُ «آل عمران (3) آیه 35» ... 69

42 . مدح الهی

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ
[132]

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ «زمر (39) آیه 46» ... 77

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُونَ «انبیاء (21) آیه
112» ... 78

فَتَقَبَّلْ مِنِّيْ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ «آل عمران (3) آیه 35» ... 69

رَبَّنَا اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نَعْلَمُ وَمَا يَخْفَى عَلٰى اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ فِى الْاَرْضِ
وَلَا فِى السَّمٰوٰتِ «ابراهيم (14) آیه 38» ... 25

رَبِّ قَدْ اْتَيْتَنِى مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمَتَنِى مِنْ تَاْوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ فَاطِرَ السَّمَوٰتِ
وَالْاَرْضِ اَنْتَ وَ لِيْ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ «يوسف (12) آیه 101» ... 40

وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا «اعراف (7) آیه 89» ... 48

وَادْخَلْنَا فِى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّحِيْمِيْنَ «اعراف (7) آیه 151» ... 58

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ * رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا
رَيْبَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ «آل عمران (3) آیه 8 و 9» ... 107

رَبَّنَا اِنَّكَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ «حشر (59) آیه 10» ... 109

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا «غافر (40) آیه 7» ... 94

مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ «كهف (18) آیه 39» ... 96

43 . مناجات با حق تعالى

الَّذِيْنَ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ قِيَامًا وَقَعُوْدًا وَعَلٰى جُنُوْبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُوْنَ فِى خَلْقِ
السَّمَوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا

اِنَّكَ مِنْ تَدْخِيْلِ النَّارِ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ * رَبَّنَا اِنَّنَا
سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا

وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ * رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا
تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ «آل عمران (3) آیه 191 و 194» ... 98

[133]

قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ
مَنْ تَشَاءُ وَتَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ * تُوَلِّجُ

اللَّيْلَ فِى النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِى اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمِيْتِ وَتُخْرِجُ
الْمِيْتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ «آل عمران (3) آیه 26 و 27» ... 84

رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ «آل عمران (3)
آیه 9» ... 107

اِنَّ صَلَاتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ «انعام (6) آیه 162» ... 82

اٰمِنَ الرَّسُوْلُ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلٌّ اٰمِنٌ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهِ
وَكِتٰبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ

رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ * لَا يَكْلِفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
اَكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا

حَمَلْتَهُ عَلٰى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا

وَأَغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ «بقره (2) آیه 285 و286» ... 104

44 . مسلمان واقعی باشیم

رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ «مائده (5) آیه 83» ... 88
رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ «آل عمران (3) آیه 53» ... 70

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ «بقره (2) آیه 128» ... 27

45 . نجات از دست ستمگران

وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ «تحریم (66) آیه 11» ... 62

رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

[134]

«شعراء (26) آیات 117 و118» ... 14

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا «ممتحنه (60) آیه 5» ... 22
رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ «شعراء (26) آیه 169» ... 29
رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ «قصص (28) آیه 21» ... 50
رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى «طه (20) آیه 45» ... 53
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ «يونس (10) آیات 85 و86» ... 55

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا «نساء (4) آیه 75» ... 90

46 . نجات از غم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ «انبياء (21) آیه 87» ... 41

47 . نبودن باستمگران

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ «مؤمنون (23) آیه 94» ... 85
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ «اعراف (7) آیه 47» ... 114
رَبِّ بِنَا أَنْ نَعْمَتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ «قصص (28) آیه 17» ... 50
رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ «مائده (5) آیه 25» ... 60

48 . نفرین بر بدکاران

رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا «نوح (71) آیات 26 و27» ... 15

[135]

وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا «نوح (71) آیه 28» ... 16
رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّوَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ «يونس (10) آیه 88» ... 56

49 . نجات از جهنّم

سُدُّجَانَكَ فَوَقِنَا عَذَابَ النَّارِ «آل عمران (3) آیه 191» ... 98

وَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ «آل عمران (3) آیه 16» ... 100

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ «بقره (2) آیه 201» ... 102

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا «فرقان (25) آیه 65» ... 111

50 . نام نیک پس از مردن

وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ «الشعراء (26) آیه 84» ... 20

51 . هنگام سوار شدن بر مرکب

بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ «هود (11) آیه 41» ... 18

سُدُّجَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

«زخرف (43) آیات 13 و 14» ... 92